

Content Analysis of the Seventh Progress Plan and Its Alignment with Economic Development Paradigms

Hassan Daliri

Original Article	Receive Date: 2024 Nov 11	Accept Date: 2024 Sep 24	Page: 285-312
------------------	---------------------------	--------------------------	---------------

Abstract

Economic development planning has a long-established tradition in Iran. Ideally, development plans should be formulated based on the core principles of economic development paradigms. However, it is not feasible to align a development plan perfectly with any single paradigm, as certain elements may correspond with some paradigms while conflicting with others. This study aims to assess the degree of alignment between the Seventh Progress Plan and the principles of key economic paradigms through a detailed content analysis. In the first step, the fundamental principles of various development paradigms were reviewed, and eight key dichotomies that differentiate these paradigms were identified: 1-Growth vs. Equity 2- Industry vs. Agriculture 3-Urban vs. Rural Development 4- Capital-Intensive vs. Labor-Intensive Strategies 5- Government vs. Market 6- Open vs. Closed Economy 7-Sustainable vs. Unsustainable Development 8- Natural Resources vs. Knowledge-Based Economy. Using the content analysis method, all provisions of the Seventh Progress Plan were analyzed and categorized based on their orientation toward these dichotomies. The comparison between the findings from the plan's content and the core principles of economic paradigms reveals that the Seventh Progress Plan prioritizes equity, emphasizes industrial development, and focuses on the advancement of underdeveloped and rural areas. It also leans toward capital-intensive strategies, promotes open trade interactions, and stresses the importance of sustainable development and knowledge-based growth. Therefore, according to the results, the Seventh Progress Plan has been most consistent with the economic development perspectives of institutionalists, green economy, and then Islamic economic theories.

Keywords: Content Analysis, Development Paradigms, Seventh Progress Plan

JEL Classification: O20, O10, H50, B52.

* Associate Professor of Economics, Department of Management and Economics, Faculty of Humanities and Social Sciences, Golestan University, Gorgan, Iran (Corresponding Author) H.daliri@gu.ac.ir

تحلیل محتوای قانون برنامه هفتم پیشرفت کشور و تطابق آن با پارادایم‌های توسعه اقتصادی

حسن دلیری

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۲۱	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۴	شماره صفحه: ۲۸۵-۳۱۲
-------------------	--------------------------	-------------------------	---------------------

چکیده

برنامه‌ریزی برای رسیدن به توسعه اقتصادی، پیشینه‌ای طولانی در ایران دارد. انتظار بر آن است که برنامه‌های توسعه، بر اساس اصول مکاتب توسعه اقتصادی تدوین شود؛ اما بررسی‌ها حکایت از آن دارد که نمی‌توان یک برنامه را دقیقاً منطبق با یک مکتب توسعه نوشت، برنامه در مواردی با برخی مکاتب همسو و در مواردی متضاد خواهد بود. این مطالعه تلاش کرده است تا با بررسی و تحلیل محتوای قانون برنامه هفتم پیشرفت (۱۴۰۷-۱۴۰۳) میزان انطباق این برنامه را با اصول مکاتب اقتصادی ارزیابی کند. بدین منظور در گام اول، با بررسی اصول اساسی پارادایم‌های توسعه اقتصادی، هشت سؤال و دوگانگی کلیدی که سبب افتراق مکاتب توسعه از هم می‌شود شناسایی شد: ۱- رشد یا عدالت ۲- صنعت یا کشاورزی ۳- شهر یا روستا ۴- سرمایه‌بری یا کاربری ۵- دولت یا بازار ۶- درهای باز یا بسته ۷- توسعه پایدار یا ناپایدار ۸- منابع زیرزمینی یا دانش. سپس با روش تحلیل محتوا و استفاده از روش‌های متن‌کاوی، تمامی مواد برنامه هفتم پیشرفت بر اساس سوگیری که به این سؤالات داشتند تحلیل و دسته‌بندی شد. در نهایت با مقایسه نتایج حاصل از تحلیل محتوای برنامه هفتم و تحلیل محتوای مکاتب اقتصادی، مطالعه حاضر به این نتیجه می‌رسد که برنامه هفتم، برنامه‌ای عدالت محور، مبتنی بر توسعه صنعتی، با اولویت توسعه مناطق کمتر برخوردار و روستایی، توسعه مبتنی بر سرمایه، با اولویت تعاملات بازاری بوده و تأکید بر توسعه پایدار و رشد مبتنی بر دانش محوری داشته است؛ بنابراین و با توجه به نتایج، برنامه هفتم پیشرفت، بیشترین انطباق را با نگرش‌های توسعه اقتصادی نهادگرایان، اقتصاد سبز و سپس نظریات اقتصاد اسلامی داشته است.

واژه‌های کلیدی: برنامه هفتم پیشرفت، پارادایم‌های توسعه، تحلیل محتوا

طبقه‌بندی JEL: O20, O10, H50, B52

دانشیار اقتصاد، گروه مدیریت و اقتصاد، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران (نویسنده مسئول)

H.daliri@gu.ac.ir

فصلنامه مجلس و اقتصاد، سال دوم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۳

DOI: 10.22034/mec.2024.17304.1059

۱- مقدمه

ایران دارای یکی از قدیمی‌ترین سنت‌های برنامه‌نویسی توسعه در میان کشورهای در حال توسعه و تازه صنعتی شده است. در حالی که اولویت برنامه توسعه ایران در سال ۱۳۲۷ (۱۹۴۸ م) نوشته شد، اولین برنامه توسعه ملی چین در سال ۱۹۵۳ م. ژاپن در سال ۱۹۵۶ م؛ و کره جنوبی در سال ۱۹۶۲ م. آغاز شده است. در پیش از انقلاب پنج برنامه عمرانی (۲) برنامه هفت ساله و سه برنامه ۵ ساله) تهیه و اجرا شد. رویه برنامه‌ریزی توسعه پس از وقفه‌ای کوتاه، در دوره پس از انقلاب نیز طی می‌شود. اولین برنامه پنج ساله توسعه پس از انقلاب اسلامی به نام «برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی» (دوره ۱۳۶۸-۷۲) به تصویب مجلس می‌رسد. در سال‌های بعدی نیز شش برنامه توسعه مصوب و اجرا شد. «قانون برنامه پنج ساله هفتم» نیز در سال ۱۴۰۳ در ۱۲۰ ماده به تصویب مجلس رسید و در سال‌های ۱۴۰۷-۱۴۰۳ اجرا خواهد شد. با توجه به اهمیت قانون برنامه در تعیین مسیر اقتصاد ایران، این پژوهش به دنبال آن است تا با واکاوی متن برنامه هفتم پیشرفت، به این سؤال پاسخ دهد که این برنامه با کدام یک از مکاتب مهم توسعه اقتصادی انطباق دارد. به منظور دستیابی به اهداف پژوهش در ادامه مبانی نظری پژوهش در قالب معرفی مفاهیم خلاصه شده‌ای از پارادایم‌های توسعه اقتصادی انجام و در ادامه روش پژوهش و نتایج تشریح خواهد شد.

۲- ادبیات تحقیق

۲-۱- مبانی نظری تحقیق

۲-۱-۱- پارادایم‌های توسعه اقتصادی

تقریباً از زمانی که علم اقتصاد متولد شد، این سؤال مطرح بود که عامل کلیدی توسعه چیست؟ در سیر تاریخی علم اقتصاد، هر یک از مکاتب اقتصادی، تلاشی برای پاسخ به این سؤال داشتند. مرکانتلیسم^۱، در قرون شانزدهم تا هجدهم میلادی در اروپا پدید آمد. این مکتب بر نقش دولت در افزایش ثروت ملی و قدرت اقتصادی از طریق تجارت خارجی و انباشت طلا و نقره تأکید داشت. مرکانتلیست‌ها معتقد بودند که ثروت یک کشور در ذخایر فلزات گران بها (طلا و نقره) نهفته است و هدف دولت باید افزایش صادرات و کاهش واردات باشد تا تراز تجاری مثبت ایجاد شود (Magnusson, 2003). در دیدگاه مرکانتیلیستی، دولت نقش فعالی در هدایت اقتصاد ایفا می‌کند و از طریق سیاست‌های حمایتی مانند تعرفه‌ها، موانع تجاری و یارانه‌های صادراتی، تولید داخلی را تقویت و واردات را محدود می‌کند. این مکتب به نظام اقتصادی بسته و ملی‌گرایی اقتصادی باور داشت و توسعه اقتصادی را در قدرت دولت و تقویت صادرات جست‌وجو می‌کرد. این دیدگاه بعدها توسط اقتصاددانان کلاسیک مورد انتقاد قرار گرفت، زیرا مرکانتلیسم به انحصار و کاهش رقابت منجر می‌شد و توسعه پایدار را محدود می‌کرد (Heckscher, 1955).

فرانسوا^۱ کنه با انتشار اثر معروف جدول اقتصادی^۲ در سال ۱۷۵۸ مکتب فیزیوکراسی^۳ را شکل داد. فیزیوکرات‌ها باور داشتند که کشاورزی منبع اصلی ثروت و توسعه اقتصادی است و تنها این بخش توانایی خلق مازاد اقتصادی را دارد. ایده اصلی این مکتب آن است که تولید ثروت تنها از طریق فعالیت‌های مولد کشاورزی به دست می‌آید، زیرا طبیعت و زمین قدرت زایشی دارند که سایر فعالیت‌ها (مانند تجارت و صنعت) فاقد آن هستند. به عقیده آنان، تجارت و صنعت غیرمولد تلقی می‌شوند، زیرا تنها به توزیع و انتقال ثروت می‌پردازند، درحالی‌که کشاورزی ارزش جدیدی ایجاد می‌کند. یکی دیگر از ویژگی‌های مهم مکتب فیزیوکراسی، تأکید بر آزادی اقتصادی و حداقل دخالت دولت در بازار است. فیزیوکرات‌ها از نظم طبیعی دفاع می‌کردند و معتقد بودند که اگر بازار به‌طور طبیعی فعالیت کند، ثروت به‌طور عادلانه توزیع خواهد شد.

مکتب کلاسیک، با آثار آدام اسمیت^۴ در اواخر قرن هجدهم آغاز شد و بر نظم طبیعی بازار، رقابت آزاد و دست نامرئی تأکید داشت. اسمیت در کتاب ثروت ملل بیان کرد که اگر افراد بر اساس منافع شخصی خود عمل کنند، بازار از طریق مکانیسم عرضه و تقاضا به تعادل می‌رسد و رفاه عمومی بهبود می‌یابد. مکتب نئوکلاسیک که در اواخر قرن نوزدهم شکل گرفت، بر رفتار عقلایی مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان و نقش تعادل عمومی در اقتصاد تأکید دارد. اقتصاددانان نئوکلاسیک، مانند آلفرد مارشال، معتقد بودند که بازارها در نهایت به تعادل طبیعی می‌رسند و دخالت دولت باید حداقل باشد (Marshall, 1920). از نظر این مکتب عوامل کلیدی توسعه شامل رقابت آزاد، تعادل عرضه و تقاضا، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری خواهد بود و عواملی همانند دخالت دولت، محدودیت در رقابت و وجود انحصار سبب اختلال در توسعه می‌شود.

مکتب کینزی^۵ توسط جان مینارد کینز^۶ در واکنش به بحران بزرگ اقتصادی ۱۹۲۹ شکل گرفت. در کتاب «نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول» (۱۹۳۶) کینز استدلال کرد که اقتصاد بازار به‌خودی‌خود قادر به خروج از رکود نیست و برای دستیابی به اشتغال کامل، دخالت فعال دولت ضروری است. کینز بر این باور بود که تقاضای کل (مصرف و سرمایه‌گذاری) عامل اصلی تعیین‌کننده رشد اقتصادی است و در زمان رکود، دولت‌ها باید با افزایش مخارج عمومی و کاهش مالیات‌ها، اقتصاد را تحریک کنند. در نتیجه، برخلاف مکتب نئوکلاسیک، کینزی‌ها بر دخالت دولت در اقتصاد و تنظیم تقاضا تأکید دارند.

نئولیبرالیسم^۷ در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی ظهور کرد و به‌عنوان واکنشی به مداخلات دولت‌محور کینزی و بحران‌های اقتصادی آن دوران مطرح شد. این مکتب بر بازار آزاد، تجارت جهانی و حداقل مداخله دولت تأکید دارد و سیاست‌های آن در اسناد مختلفی همچون اجماع واشنگتن ارائه شد (Harvey, 2005). نئولیبرالیسم بر این فرض استوار

1. François Quesnay
2. Tableau Économique
3. Physiocracy
4. Adam Smith
5. Keynesian Economics
6. John Maynard Keynes
7. Neoliberalism

است که رقابت آزاد و بازارهای باز منجر به کارایی، رشد و کاهش فقر خواهند شد. دولت‌ها باید به تنظیم‌کننده و تسهیلگر تبدیل شوند و بخش خصوصی نقش اصلی در اقتصاد ایفا کند. خصوصی‌سازی، کاهش یارانه‌ها، آزادسازی تجارت و حذف موانع تعرفه‌ای از جمله اصول کلیدی این مکتب هستند. این نظریه توسعه بازار آزاد، خصوصی‌سازی، ثبات اقتصاد کلان را به عنوان عامل اساسی توسعه قلمداد کرده و موانع توسعه را در مداخله دولت، بوروکراسی ناکارآمد، تجارت محدود می‌داند.

مکتب نهادگرایی^۱ که توسط اقتصاددانانی مانند تورستن ویبلن^۲ در اوایل قرن بیستم مطرح شد، بر نقش نهادها، فرهنگ و ساختارهای اجتماعی در توسعه اقتصادی تأکید دارد. نهادگرایان معتقدند که قواعد، عرف‌ها و ساختارهای اجتماعی، رشد اقتصادی را تسهیل یا محدود می‌کنند. نهادگرایی برخلاف مکاتب کلاسیک و نئو کلاسیک، اقتصاد را به عنوان یک سیستم اجتماعی پیچیده می‌بیند که تنها با تحلیل نهادها و قواعد می‌توان آن را درک کرد. به باور آنان وجود نهادهای قوی، حاکمیت قانون، اعتماد و شفافیت عوامل کلیدی توسعه اقتصادی قلمداد می‌شود. مکتب نهادگرایان جدید^۳ در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی با تلاش‌هایی برای ترکیب اقتصاد نئو کلاسیک با تحلیل‌های نهادی شکل گرفت. این مکتب توسط افرادی همچون داگلاس نورث^۴ و رونالد کوز^۵ متولد شد. نهادگرایان جدید، برخلاف نئو کلاسیک‌ها که بازار را کامل و کارا می‌دانند، تأکید دارند که نهادها نقش حیاتی در شکل‌دهی به رفتارهای اقتصادی و دستیابی به توسعه پایدار دارند. به عقیده آن‌ها، وجود نهادهای کارآمد برای حل مسائلی همچون اطلاعات ناقص، رانت جویی و عدم شفافیت ضروری است. نهادگرایان جدید بر این باورند که نهادهای قوی و کارآمد، مانند حاکمیت قانون، حقوق مالکیت و سیستم قضایی عادلانه، به کاهش هزینه‌های مبادله و افزایش اطمینان در معاملات کمک می‌کنند. در نتیجه، سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی تسهیل می‌شود (Acemoglu et al. 2005).

نظریه نوسازی^۶ در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی مطرح شد و به طور گسترده توسط جامعه‌شناسان و اقتصاددانانی مانند والت روستو^۷ تبیین شد. این نظریه معتقد است که توسعه به عنوان یک فرایند خطی از مراحل مختلفی عبور می‌کند و همه کشورها می‌توانند با پیروی از مدل‌های غربی توسعه، به رشد اقتصادی و رفاه دست یابند. روستو در کتاب «مراحل رشد اقتصادی» (۱۹۶۰)، پنج مرحله برای توسعه ارائه کرد: ۱- جامعه سنتی ۲- آماده‌سازی برای خیز ۳- خیز اقتصادی ۴- رشد پایدار ۵- عصر مصرف انبوه. نظریه نوسازی تأکید دارد که کشورهای در حال توسعه باید با مدرن‌سازی زیرساخت‌ها، آموزش و پذیرش فرهنگ‌های مدرن به سمت توسعه حرکت کنند. همچنین، سرمایه‌گذاری خارجی و پذیرش فناوری‌های جدید نیز از عوامل مهم توسعه در این دیدگاه هستند (Rostow, 1960). عوامل کلیدی توسعه از

1. Institutional Economics

2. Thorstein Veblen

3. New Institutional Economics

4. Douglass North

5. Ronald Coase

6. Modernization Theory

7. Walt W. Rostow

دید این نظریه، مدرن سازی، سرمایه‌گذاری خارجی، زیرساخت‌های آموزشی است و از سوی دیگر پابندی به سنت‌ها، ضعف زیرساخت‌ها، نبود فناوری را مانع توسعه می‌داند.

با توجه به اهمیت موضوع توسعه، نظریاتی برخلاف جریان اصلی اقتصاد نیز برای پاسخ به علل توسعه اقتصادی متولد شدند. نظریه مارکسیسم^۱، در قرن نوزدهم توسط کارل مارکس و فریدریش انگلس مطرح شد و بر مبارزه طبقاتی و تضادهای ذاتی در نظام سرمایه‌داری تأکید دارد. مارکس معتقد بود که سرمایه‌داری منجر به استثمار طبقه کارگر توسط سرمایه‌داران و درنهایت به بحران‌های اقتصادی و فروپاشی نظام سرمایه‌داری منجر خواهد شد (Marx & Engels, 1848). یکی از مفاهیم کلیدی در نظریه مارکس، انباشت سرمایه و تمرکز ثروت در دست عده‌ای محدود است. مارکس بیان می‌کند که سرمایه‌داری با افزایش بهره‌وری و تولید انبوه، نابرابری‌ها را تشدید کرده و فاصله بین طبقات اجتماعی را بیشتر می‌کند. او توسعه واقعی را تنها از طریق گذار به سوسیالیسم و سپس کمونیسم امکان‌پذیر می‌داند که در آن مالکیت خصوصی لغو شده و ابزارهای تولید در اختیار جامعه قرار می‌گیرد. نئو مارکسیست‌ها^۲، مانند آندره گوندر فرانک^۳ و سمیر امین^۴، در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ با تمرکز بر نظام سرمایه‌داری جهانی، نظریه‌های مارکس را بازبینی و گسترش دادند. نظریه وابستگی^۵ در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به عنوان واکنشی به نظریه نوسازی و عملکرد ناعادلانه نظام سرمایه‌داری جهانی مطرح شد. آندره گوندر فرانک و سمیر امین معتقد بودند که کشورهای درحال توسعه به دلیل ساختار وابسته اقتصاد جهانی، به طور سامانمند در موقعیتی فرودست قرار گرفته‌اند و قادر به توسعه مستقل نیستند. نظریه وابستگی بر این باور است که کشورهای مرکز (توسعه) با بهره‌کشی از منابع و نیروی کار کشورهای پیرامون (درحال توسعه) رشد می‌کنند. این مکتب معتقد است که تنها راه دستیابی به توسعه، رهایی از وابستگی به کشورهای توسعه و اتخاذ سیاست‌های خودکفایی اقتصادی است (Frank, 1967). این نظریه عوامل کلیدی توسعه را در رهایی از وابستگی، سیاست‌های خودکفایی، اقتصاد ملی محور می‌داند.

مکتب ساختارگرایی^۶ در دهه ۱۹۵۰ میلادی توسط اقتصاددانانی مانند راثول پریش^۷ و هانس سینگر شکل گرفت و بیشتر در کشورهای آمریکای لاتین مطرح شد. این مکتب بر این باور است که ساختارهای اقتصادی در کشورهای درحال توسعه به گونه‌ای شکل گرفته که وابستگی به صادرات مواد اولیه و واردات کالاهای صنعتی، مانع توسعه آن‌ها می‌شود. ساختارگرایان معتقدند که نابرابری در مبادلات تجاری جهانی، منجر به تضعیف اقتصادهای پیرامونی و تقویت اقتصادهای مرکزی می‌شود. برای رفع این مشکل، آن‌ها توصیه می‌کنند که دولت‌ها نقش فعالی در حمایت از صنایع داخلی ایفا کنند و با اعمال سیاست‌های جایگزینی واردات، وابستگی به کشورهای توسعه را کاهش دهند (Prebisch, 1950). ساختارگرایان عوامل کلیدی توسعه را در حمایت از صنایع داخلی و سیاست‌های جایگزینی واردات می‌دانند.

1. Marxists
2. Neo-Marxists
3. Andre Gunder Frank
4. Samir Amin
5. Dependency Theory
6. Structuralists
7. Raúl Prebisch

۲-۲- پیشینه تحقیق

۲-۲-۱- مطالعات خارجی

دهاقي^۱ و همکاران (۲۰۲۲) با استفاده از روش تحلیل محتوا، سیاست‌های توسعه انرژی در برنامه پنج ساله توسعه ملی ایران با بررسی اسناد ملی بالادستی را ارزیابی کردند. برای دستیابی به هدف، ۲۹ سند بالادستی مرتبط با انرژی‌های تجدید پذیر شناسایی و از طریق مرور ادبیات سامانمند مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. سپس برای تحلیل اسناد از تحلیل محتوای کیفی استفاده شد. نتایج نشان داد که سیاست‌های انرژی فعلی ایران نیاز به بازنگری، اصلاح و تقویت دارند. به عنوان مثال، عدم توجه کافی به گرما و سوخت تجدید پذیر یکی از کاستی‌های سیاست‌های انرژی برق در برنامه توسعه ملی پنج ساله ایران بود. تمرکززدایی سیاست‌گذاری در سازمان یکپارچه نیز یکی از نقاط ضعف در روند سیاست‌گذاری انرژی‌های تجدید پذیر بود.

چیمهاوو^۲ و همکاران (۲۰۱۹) باور دارند که تعداد کشورهای دارای برنامه توسعه ملی در سال‌های اخیر بیش از دو برابر شده است، از حدود ۶۲ کشور در سال ۲۰۰۶ به ۱۳۴ کشور در سال ۲۰۱۸ می‌رسد. بیش از ۸۰ درصد جمعیت جهان اکنون در کشوری زندگی می‌کنند که برنامه توسعه ملی دارند. به اعتقاد آنان، این یک بازایی خیره‌کننده از رویه‌ای است که در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ به عنوان یادگاری از اقتصادهای هدایت شده و توسعه تحت رهبری دولت، بی اعتبار شده بود. به باور آنان، عوامل متعددی این ظهور مجدد را تقویت کرده اند، اما از حدود سال ۲۰۱۵، شتاب برای تولید برنامه‌ها شتاب گرفته است که تا حدی ناشی از نیاز به برنامه‌ریزی برای اهداف توسعه پایدار است. از این رو، آن‌ها در مطالعه خود بر اساس تجزیه و تحلیل ۱۰۷ طرح توسعه ملی و ترسیم بینش‌هایی از ۱۰ کشور مورد مطالعه، برنامه‌ریزی توسعه ملی «جدید» را تحلیل و انواع و محتوای برنامه‌ها و پیامدهای آن‌ها را برای برنامه توسعه پایدار شناسایی می‌کند. این مقاله گونه شناسی برنامه‌های ملی جدید را ایجاد می‌کند، ویژگی‌های آن‌ها را تحلیل می‌کند و راه‌هایی را که در آن برنامه‌ریزی توسعه ملی جدید و اهداف توسعه پایدار ممکن است باهم تعامل داشته باشند، بررسی می‌کند. همچنین نتایج مقاله نشان از آن دارد که برنامه‌ها از نظر شواهد مورد استفاده، میزان سازگاری درونی بین بخش‌های مختلف یک طرح، روند توسعه طرح و میزان روشن بودن آن‌ها متفاوت است. نحوه تأمین مالی آن‌ها برخلاف برنامه‌های توسعه ملی قرن بیستم، برنامه‌های نسل جدید اغلب بر پایه نظریه‌های عقلانیت مشارکتی است تا عقلانیت خطی.

سازمان توسعه و همکاری اقتصادی OECD در سال (۲۰۱۸) با روش تحلیل متون کتابخانه‌ای، برای شناسایی پارادایم‌های توسعه در تاریخ مبانی توسعه اقتصادی مطالعه‌ای انجام شد. این مطالعه باور دارد که اقتصاد توسعه و به طور کلی تفکر توسعه، از زمانی که در آغاز جنگ جهانی دوم به عنوان زیرشاخه‌ای از اقتصاد در نظر گرفته شد، به طور قابل توجهی تغییر کرده است. از آن زمان، یک عنصر از بحث همچنان مورد مناقشه باقی مانده است: آیا سیاست‌هایی

1. Dehhaghi

2. Chimhowu

که منجر به توسعه موفق و پایدار در کشورهای صنعتی اولیه شده است به عنوان استانداردهای طلایی برای پیروی در کشورهای در حال توسعه تغییر کاربری دارد یا مسیرهای کشورهای در حال توسعه برای رسیدن به توسعه، متفاوت است. این مطالعه با بررسی چگونگی تغییر توسعه اقتصادی از سال ۱۹۴۵ و متعاقب آن ایجاد نهادهای اقتصادی تأثیرگذار جهانی به این سؤال پاسخ دهد که پارادایم‌های جایگزین کدام اند. این مطالعه تغییر رویکردهای توسعه را بررسی کرده، دوره‌های مختلف را به طور انتقادی مرور می‌کند و یک فرآیند طولانی و پیچیده یادگیری را توصیف می‌کند. برای این منظور، تفکر توسعه جریان اصلی جهان صنعتی و همچنین رویکردهای «جایگزین» که از تجربه منطقه‌ای در کشورهای در حال توسعه به دست آمده را بررسی می‌کند.

هودلر و درهر^۱ (۲۰۱۳) در مطالعه خود به بررسی دلایل شکست پارادایم‌های توسعه می‌پردازند. آنان باور دارند، با گذشت زمان، جامعه بین‌المللی از پارادایم‌های توسعه مختلفی حمایت کرده است، اما کشورهایی که این پارادایم‌ها را دنبال می‌کنند اغلب عملکرد ضعیفی داشته اند. این مطالعه توضیحی برای این عملکرد ضعیف ارائه می‌دهد به گونه‌ای که رهبر سیاسی یک کشور در حال توسعه، انتخاب می‌کند که آیا به شیوه‌ای صادقانه یا مبتنی بر فساد بالاست سیاست‌ها را اجرا کند. این انتخاب‌ها بر تولید داخلی و جریان کمک‌ها تأثیر می‌گذارد. زمانی تولید بالاست که ظرفیت تولید بالا باشد و سیاست در شرایط خاص کشور مناسب باشد و صادقانه اجرا شود. وقتی سیاست مبتنی بر پارادایم باشد، جریان کمک‌های ورودی بالاست. در حالت تعادل، کشورهایی با ظرفیت تولید پایین و فساد زیاد ناشی از نهادهای سیاسی ضعیف، این پارادایم را با دقت بیشتری دنبال می‌کنند. از این رو، مدل پژوهش نشان می‌دهد که پارادایم‌های توسعه تمایل به شکست دارند، زیرا عمدتاً توسط کشورهایی دنبال می‌شوند که به هر حال شکست خواهند خورد^۲.

۲-۲-۲- مطالعات داخلی

با توجه به اهمیتی که برنامه‌های توسعه در برنامه‌ریزی آینده اقتصادی و اجتماعی کشور داشته است، مطالعات متعددی از جنبه‌های مختلف درباره این برنامه‌ها به انجام رسیده است. علاوه بر این تاکنون مطالعات متعددی با استفاده از روش تحلیل محتوا و مضمون برای برنامه‌های توسعه از جنبه‌های مختلف انجام شده است که در ادامه به تعدادی از آن‌ها اشاره خواهد شد.

حیدرپور و نصری (۱۴۰۳) به تحلیل و ارزیابی برنامه‌های توسعه در ایران برای دوره بعد از انقلاب، از منظر صاحب‌نظران توسعه انسانی با استفاده از روش توصیفی پرداخته‌اند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که برنامه‌های توسعه در ایران در پرتو آموزه‌های توسعه انسانی پایدار فاقد برنامه‌ریزی مدون، موازی‌کاری، فقدان توجه به اهداف برنامه‌های توسعه انسانی و فراهم نبودن زیرساخت‌های حقوقی سیاسی و فرهنگی، مانع تحقق برنامه‌های توسعه انسانی در ایران شده است.

1. Roland Hodler, Axel Dreher

۲. لازم به ذکر است مطالعه خارجی که دقیقاً به بررسی انطباق برنامه‌های توسعه کشورها با پارادایم‌های توسعه بپردازد، با توجه به جستجوهای انجام شده، وجود نداشت، از این رو در این بخش به برشماری چند مطالعه که قرابت مفهومی با پژوهش حاضر داشتند، اکتفا شد.

نوابخش و همکاران (۱۴۰۲) با استفاده از روش تحلیل گفتمان لاکلیو و موف به بررسی و تحلیل گفتمان سیاست‌های علم و فناوری در برنامه‌های توسعه (مطالعه موردی برنامه پنجم توسعه) پرداخته‌اند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که گفتمان سیاست علم و فناوری در قانون برنامه پنجم با مدل‌هایی همچون، «تجاری-سازی دانش و فناوری»، «حمایت‌های هدفمند مادی» و «شایستگی حرفه‌ای» احاطه شده است. دال شناور توانمندسازی انسانی، «ایده محوری» است.

آذری و همکاران (۱۴۰۱) به بررسی و تحلیل محتوای کمی شش برنامه توسعه جمهوری اسلامی ایران از منظر توجه به فقر و طرد اجتماعی با استفاده از روش تحلیل محتوا پرداختند. نتایج بیانگر آن است که در این بین، برنامه دوم توسعه بیشترین توجه و برنامه اول توسعه کمترین توجه را به سه رویکرد مورد مطالعه داشته‌اند. برنامه‌های اول، چهارم و پنجم توجهی به فقر درآمدی نداشته‌اند و برنامه‌های دوم، سوم و ششم، با در نظر گرفتن فقر درآمدی، به فقر قابلیت و طرد اجتماعی توجه نموده‌اند.

جوکار (۱۴۰۱) با استفاده از روش پژوهش توصیفی و تحلیلی به بررسی برنامه‌های چهارم، پنجم و ششم توسعه و با محوریت مسائل اجتماعی و نگاهی به عملکرد دولت در موضوعات مختلف سلامت و بهداشت، آموزش، اشتغال، اعتماد و سرمایه اجتماعی پرداخته است. وی بررسی کرده است که هر کدام از این برنامه‌ها بیشتر روی کدام موضوع یا محورهای تأکید داشته‌اند. دارای چه مزیت‌هایی بوده‌اند. چه خلأهایی داشته‌اند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که این برنامه از نظر شاخص‌هایی که مورد توجه قرار داده است، برنامه‌ای غنی است اما نقطه ضعف عمده آن نسبت به برنامه پنجم عمرانی این است که کمتر عملیاتی بوده است.

شاه ویسی و همکاران (۱۴۰۱) به بررسی و تحلیل انطباق برنامه‌های توسعه اقتصادی- اجتماعی (برنامه‌های توسعه دوران پهلوی دوم یعنی برنامه اول تا پنجم قبل از انقلاب اسلامی) با الگوهای سیاست‌گذاری سه‌گانه با استفاده از روش تحلیل محتوا پرداخته‌اند. نتایج نشان از آن دارد که توسعه‌این دوره مبتنی بر ترقی و مدرنیزاسیون غربی بوده است. افزون بر این، عنصر دین در توسعه، آبادانی و در کل در نظام برنامه‌ریزی و طرح‌های توسعه نقش نداشته است.

جهانگیری و ثمری (۱۴۰۰) با استفاده از روش تحلیل محتوا، مؤلفه‌های توسعه به مثابه آزادی در برنامه‌های توسعه ایران پس از انقلاب اسلامی (اول تا پنجم) را ارزیابی کردند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که شاخص‌های کیفیت زندگی و آزادی فردی و اجتماعی از دیدگاه آمارتیا سن، نسبتی قابل ملاحظه با اهداف این برنامه‌ها ندارد و محدودیت‌ها در آزادی فردی، آزادی اجتماعی و آزادی سیاسی، چه بسا به نتایجی عکس اهداف مورد نظر منتهی شود. برنامه‌های توسعه‌ی ایران پس از انقلاب توسعه به مثابه آزادی برای بهبود زندگی اجتماعی استفاده کنند.

ثنایی پور و جعفری مقدم (۱۳۹۹) با استفاده از روش تحلیل محتوای کمی و رویکرد به کارگیری قیاسی، سیاست‌های توسعه کارآفرینی در برنامه‌های پنج ساله توسعه کشور (اول تا ششم) را ارزیابی کردند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که اگرچه بازگویی واژگان کارآفرین، کارآفرینی و کسب و کار، در محتوای برنامه‌های اول تا ششم توسعه با رشد همراه بوده؛ لیکن سیاست‌های تدوین شده از نظر مؤلفه‌های مدل توسعه کارآفرینی تناسب چندانی با یکدیگر نداشته و بیشترین

توجه، به رفتارها و نتایج کارآفرینانه و سپس به نگرش‌های کارآفرینانه معطوف بوده است. این درحالی است که بر اساس نظریات توسعه کارآفرینی، ابتدا بایستی نگرش‌های کارآفرینانه شکل گرفته و تقویت شوند و با تکیه بر آن است که رفتارها و نتایج کارآفرینانه توسعه می‌یابند.

میسایی و همکاران (۱۳۹۸) با استفاده از روش تحلیل محتوا به بررسی جایگاه توسعه سیاسی در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران (سوم تا ششم) پرداخته‌اند. یافته‌های مقاله حاکی از آن است که توسعه سیاسی در سه برنامه توسعه ج.ا.ا. مورد توجه بوده است. ولی میزان این توجه در هر یک از برنامه‌های سه‌گانه متفاوت است. این میزان توجه در برنامه‌های سوم، چهارم، پنجم و ششم نیز به ترتیب شامل ۳۱ درصد، ۵۰ درصد، ۲۹ درصد و ۴۳ درصد است.

فتح الهی و همکاران (۱۳۹۶) با استفاده از روش تحلیل توصیفی به تحلیل محتوای قوانین عمران روستایی در برنامه‌های توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (اول تا پنجم) پرداختند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که قوانین مربوط به عمران روستایی در برنامه‌های توسعه، از برنامه اول تا برنامه چهارم از یک روند صعودی برخوردار بوده، ولی با شروع برنامه پنجم روند آن شکل نزولی به خود گرفته است که می‌توان آن را متأثر از تغییر رویکردهای برنامه توسط دولت دانست.

جغتایی و همکاران (۱۳۹۵) با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی و کمی در مطالعه خود به بررسی ابعاد و مؤلفه‌های توسعه اجتماعی در پنج برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (اول تا پنجم) پرداختند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که در برنامه‌های توسعه پنج‌گانه توجه مشترکی به مؤلفه‌های آموزش، حمایت و تأمین اجتماعی، حفاظت از محیط زیست، بهره‌برداری بهینه از منابع و علم گسترده و فناوری و تعدیل شکاف مناطق محروم و برخوردار، شده است. برای مؤلفه‌های عدالت جنسیتی، همبستگی و انسجام ملی، هم‌گرایی قومی-نژادی، کاهش واگرایی مذهبی، جوانان، سالمندان، سلامت و ثبات خانواده، امنیت اجتماعی یا سیاست‌گذاری صورت نگرفته یا سیاست‌ها مبهم و کلی بوده‌اند.

یوسفی‌نژاد و عزتی (۱۳۹۵) به بررسی و تحلیل محتوای برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران (برنامه سوم و چهارم) بر مبنای نظریه توسعه‌ای استخراج شده از دیدگاه امام خمینی (ره) با استفاده از روش تحلیل محتوا پرداختند. در پژوهش حاضر میزان همخوانی برنامه‌های سوم و چهارم با نظریات توسعه از دیدگاه امام بررسی شده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که مواد برنامه عموماً در راستای مقوله‌های راهبردی و پیامدی به دست آمده از این تحقیق، تدوین شده است. درحالی که برای مقوله علی هیچ‌گونه موادی پیش‌بینی نشده و مقوله‌های محیطی و واسطه‌ای نیز با دو و چهار مورد عنوان، بیان‌کننده کمبود موادی است که برای شکل‌گیری مقوله راهبردی تأثیرگذاری زیادی دارند.

فتح الهی و همکاران (۱۳۹۴) با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا با رویکرد کمی و مصاحبه در مطالعه خود به تحلیل محتوای برنامه‌های توسعه (اول تا پنجم) با تمرکز بر تغییرات ساختاری و کارکردی استقلال نظام دانشگاهی پرداختند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که در حالت کلی و با نگاهی به سیر تغییرات ساختاری (مدلهای حکمرانی آموزش عالی) و کارکردی استقلال دانشگاهی در طول پنج برنامه توسعه، ملاحظه می‌شود که یک تغییر در جهت‌گیری و نگرش برنامه

ریزان و سیاست‌گذاران کشور، از مدل‌های حکمرانی دولت‌گرا به مدل‌های حکمرانی بازارمحور ایجاد شده که به تبع این تغییر نگرش، میزان توجه به برخی از کارکردهای استقلال دانشگاهی در طی برنامه‌های سوم، چهارم و پنجم توسعه، بیش از سایر برنامه‌ها بوده است.

عالی زاده (۱۳۹۴) با استفاده از روش تحلیل محتوا، میزان بازتاب توسعه اجتماعی در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران (برنامه‌های اول تا پنجم) را بررسی می‌کند. یافته‌های این پژوهش دلالت بر این دارند که تاکنون در تدوین برنامه‌های توسعه، رویکرد رفاه اجتماعی بر سایر رویکردهای نظری غلبه داشته و کمتر به رویکرد قابلیت انسانی با محوریت حقوق مداری و مشارکت محوری توجه شده است.

سالرزاده و نجف‌آبادی (۱۳۹۳) با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی به بررسی تطبیقی برنامه‌های رفاه اجتماعی در برنامه‌های توسعه (۸۳-۱۳۶۸) با اصول مرتبط در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پرداختند. بر اساس نتایج به دست آمده در غالب موارد اهداف رفاهی مطرح شده در قانون اساسی و برنامه‌های توسعه و به خصوص دو برنامه اول، به نحو شایسته عملیاتی نشده‌اند و در این زمینه ابهامات و کمبودهای فراوانی در کشور مشاهده می‌شود، البته این روند در برنامه سوم و چهارم رو به بهبود رفته و امید است در آینده‌ای نزدیک، کشور ما از نظر مسائل رفاه اجتماعی در سطح قابل قبولی قرار گیرد.

مؤمنی و میلانی (۱۳۹۰) با استفاده از روش تحلیل محتوا به بررسی وضعیت توسعه پایدار در برنامه‌های توسعه ایران (اول تا چهارم) با تأکید بر مفهوم توانمندی و کیفیت زندگی «سن» پرداخته‌اند. نتایج نشان از آن دارد که وضعیت توسعه پایدار در برنامه سوم توسعه نامطلوب و شاخص پایداری منفی است، اما این روند به تدریج اصلاح شده و در طول برنامه مقدار منفی شاخص رو به کاهش گذاشته و سال پایانی این برنامه مقدار شاخص مثبت شده است.

نادری مهدی و همکاران (۱۳۸۸) به بررسی و تحلیل محتوای میزان مطابقت سیاست‌های برنامه‌های توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی پس از انقلاب (اول تا چهارم) با الگوی توسعه پایدار پرداختند. نتیجه تحلیل توصیفی درباره میزان ذکر عبارت‌های مربوط به توسعه پایدار در برنامه‌ها نشان داد که در برنامه اول هیچ‌گونه ذکری از این عبارت به عمل نیامده و در برنامه‌های دوم، سوم و چهارم به ترتیب ۴، ۱۴ و ۱۴ مرتبه عبارت توسعه پایدار ذکر شده است. میزان توجه به بعد اجتماعی توسعه در برنامه‌های اول، دوم، سوم و چهارم به ترتیب ۴۸، ۱۱۶، ۵۷ و ۱۴۴ مرتبه بوده است. میزان توجه به بعد زیست‌محیطی توسعه پایدار در برنامه‌های اول، دوم، سوم و چهارم به ترتیب ۲۰، ۳۱، ۴۱ و ۴۹ و دفعات ذکر نمادهای پایداری اقتصادی به ترتیب ۲۴، ۳۲، ۴۹ و ۴۳ مرتبه بوده است. در محتوای سیاست‌های کشاورزی در مجموع در برنامه‌های چهارگانه به ترتیب ۷، ۵، ۱۳ و ۱۶ مرتبه به این نمادها اشاره شده است. ۶۲ درصد از سیاست‌های برنامه چهارم توسعه که بالاترین فراوانی توجه به مقولات توسعه پایدار کشاورزی را به خود اختصاص داده است، حاوی مقولات توسعه پایدار است که این امر نشان‌دهنده تأکیدی است که در سیاست‌های کشاورزی برنامه یادشده بر الگوی توسعه پایدار صورت گرفته است.

جوادی یگانه (۱۳۸۲) با استفاده از نظریه توسعه «برینگتون مور» و نظریه اهداف و وسایل «رابرت مرتون»، به بررسی تناقض ایدئولوژیک در دو برنامه اول و دوم توسعه در ایران پرداخته‌اند. نتایج مطالعه، نشان می‌دهد که در این دو برنامه، اهداف، بیشتر سوسیالیستی و وسایل بیشتر لیبرالیستی بوده‌اند. همچنین میزان ناهمخوانی بین اهداف و وسایل در برنامه دوم، کمتر از برنامه اول بوده است.

طبق مطالعات انجام شده، استفاده از روش تحلیل محتوا، یکی از روش‌های مرسوم برای تحلیل برنامه‌های توسعه در کشور بوده است. به صورت کلی می‌توان اذعان داشت که تاکنون برنامه‌های توسعه اول تا ششم بعد از انقلاب اسلامی، از جنبه‌های متعددی تحلیل محتوا شده‌اند که در اینجا مواردی که مرتبط با شاخص‌های کلی رفاه و توسعه بوده است، معرفی شد؛ اما بررسی مطالعات انجام شده نشان از آن دارد که تاکنون فقط یک مطالعه به بررسی اشتراک‌ها و تمایزهای مبانی نظری برنامه‌های توسعه با پارادایم‌های توسعه اقتصادی پرداخته است. صادقی شاهدانی و خسروی (۱۳۹۵) با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای به بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌ها در مبانی نظری برنامه‌های توسعه پرداخته‌اند. آنان باور دارند که باینکه برنامه‌های توسعه در انتخاب راهبردی، احکام و سیاست‌های خود از همه توصیه‌های مکاتب پیروی نکرده‌اند، ولی بسیار متأثر از مبانی نظریات غربی بوده‌اند.

بنابراین مطالعه حاضر از چند جنبه نوآوری خواهد داشت اولاً، تاکنون مطالعه‌ای به ارزیابی و تحلیل محتوای برنامه هفتم از منظر شاخص‌های توسعه نپرداخته است، بنابراین اولین مطالعه‌ای است که این مورد را واکاوی می‌کند. ثانیاً، این مطالعه برای اولین بار است که میزان انطباق متن برنامه را با پارادایم‌های اصلی توسعه اقتصادی ارزیابی می‌کند، از این جنبه نیز تاکنون مطالعه مشابهی به انجام نرسیده است.

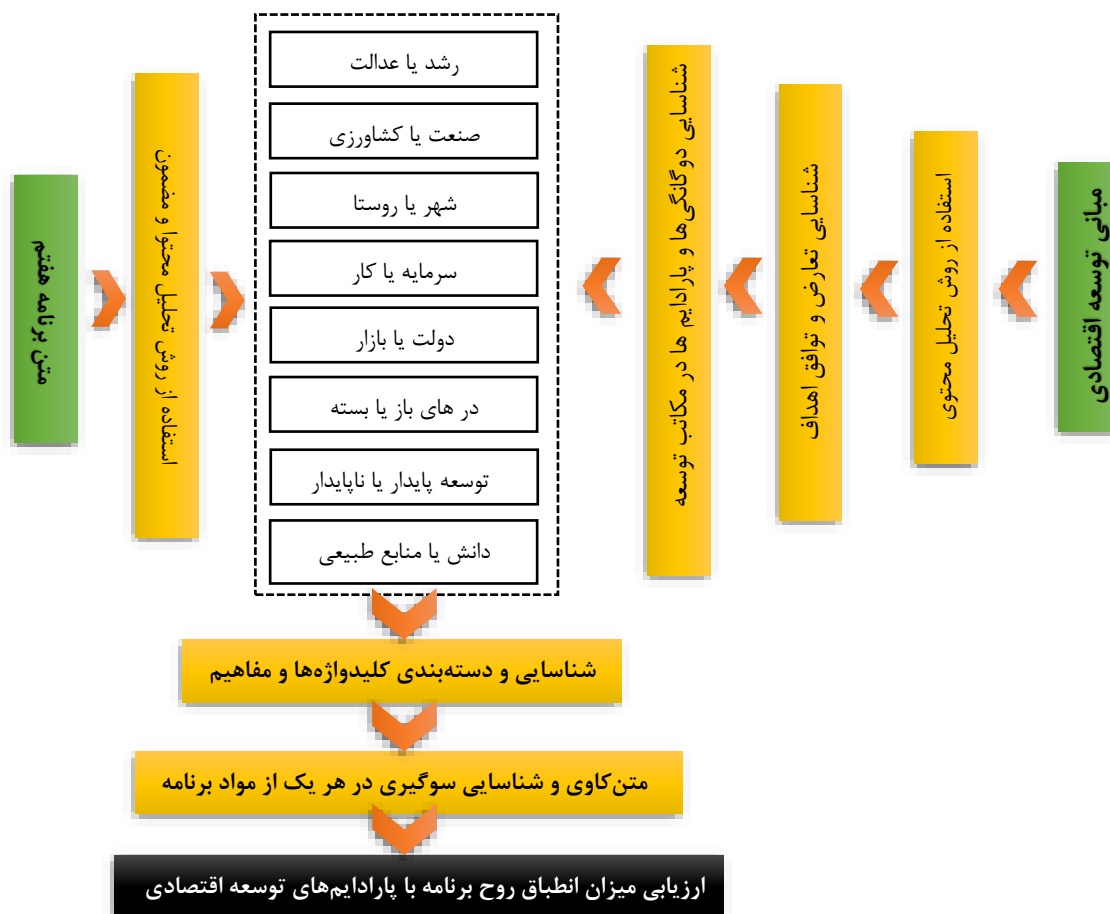
۳. روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق پژوهش حاضر بر اساس استفاده از تحلیل محتوا^۱ و تحلیل مضمون^۲ است. به گونه‌ای که ابتدا با تحلیل مضمون پارادایم‌های توسعه اقتصادی در مکاتب شناسایی شده و به مهم‌ترین تمایزهای مکاتب از نظر انتخاب‌های دوگانه خواهیم رسید. از سوی دیگر تحلیل محتوا برنامه هفتم پیشرفت، انجام شد و با توجه به کلیدواژه‌های اصلی، هر یک از مواد برنامه توسعه در انتخاب‌های دوگانه پارادایم‌های توسعه قرار خواهد گرفت، سپس بر اساس مفاهیم ارائه شده در برنامه هفتم پیشرفت، به بررسی هر یک از مواد برنامه از نظر شمول در کدام یک از پارادایم‌های توسعه بر اساس تحلیل مضمون تصمیم‌گیری می‌شود. در نهایت با توجه به ارزیابی انجام شده، می‌توان ساختار کلی برنامه هفتم پیشرفت را از نظر قرارگیری در کدام یک از پارادایم‌های توسعه شناسایی کرد. تحلیل محتوا یکی از روش‌های تحقیق کیفی برای شناسایی، تحلیل و تفسیر الگوهای معنایی داده‌های کیفی است. روش تحلیل محتوا بر این فرض بنا شده است که با تحلیل پیام‌های زبانی می‌توان به کشف معانی، اولویت‌ها، نگرش‌ها، شیوه‌های درک و سازمان‌یافتگی جهان دست یافت. از سوی دیگر، تحلیل مضمون شیوه‌ای در روش پژوهش کیفی است که بر شناسایی، تحلیل و تفسیر الگوی معانی داده‌های کیفی

1. Content analysis
2. Thematic analysis

تمرکز دارد. تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند؛ بنابراین ساختار پژوهش حاضر بر اساس تحلیل محتوی و تحلیل مضمون از دو سو انجام خواهد شد، از یک سو، این تحلیل برای مکاتب توسعه اقتصادی به انجام می‌رسد و مفاهیم کلیدی که سبب افتراق نگرش‌های توسعه اقتصادی است از هم منفک خواهد شد. از سوی دیگر تحلیل محتوا برای ماده‌های قانون برنامه هفتم پیشرفت به انجام خواهد رسید. به گونه‌ای که با توجه به مفاهیم موجود در ماده، کلیدواژه‌های اصلی که مرتبط با دوگانگی‌های توسعه باشند، شناسایی می‌شود. شناسایی و استنباط مفاهیم و میزان تأکید هر ماده بر هر یک از مفاهیم و کلیدواژه‌ها به دو طریق به انجام می‌رسد، ابتدا بر اساس تحلیل مبتنی بر استنباط محتوا و مضمون از سوی محقق موارد برنامه از جنبه سوگیری به هر یک از دوگانگی‌های توسعه، دسته‌بندی خواهد شد. از سوی دیگر با استفاده از الگوریتم‌های متن‌کاوی^۱، متن هر یک از مواد برنامه نیز، از نظر میزان جهت‌گیری به هر یک از دو جهت سوگیری توسعه، موزون خواهد شد. در نهایت این دو استنباط با یکدیگر تلفیق شده و جهت‌گیری هر یک از مواد برنامه از نظر مفاهیم، محتوا و مضمون بر هر یک از دوگانگی‌های مستخرج از مبانی توسعه اقتصادی، شناسایی و دسته‌بندی می‌شود. سرانجام و به منظور شناسایی میزان انطباق مواد برنامه با مبانی توسعه اقتصادی، نتایج حاصل از ساختار مکاتب اقتصادی و تحلیل محتوا برنامه هفتم پیشرفت با یکدیگر مقایسه و منطبق می‌گردد. نتیجه این بخش تا اندازه زیادی، نگرش برنامه هفتم را بر اساس پارادایم‌های توسعه اقتصادی شناسایی نماید. مدل مفهومی پژوهش را می‌توان در شکل ۱ مشاهده کرد.

۱. در بخش تحلیل متن‌کاوی، برای شناسایی سوگیری مواد برنامه هفتم نسبت به دوگانگی‌های پارادایمی، از الگوریتم‌های هوش مصنوعی که در حوزه پردازش زبان طبیعی Natural Language Processing = NLP به کار می‌روند، استفاده شده است. مراحل که در این الگوریتم به انجام رسید بدین ترتیب است: گام اول: ابتدا پردازش اولیه متن به انجام رسید. هدف این مرحله آماده‌سازی داده‌های متنی برای تحلیل بود. به منظور پردازش متن اولیه، ابتدا توکن‌بندی Tokenization انجام شد، به عبارت دیگر ابتدا متن به اجزای کوچک‌تر (کلمات یا جملات) تقسیم شد. سپس توقف‌واژه‌ها (کلماتی مانند "و"، "یا"، "در" که معنای خاصی ندارند) حذف شدند. سپس ریشه‌یابی Stemming واژه‌ها انجام و واژه‌ها به ریشه‌های اصلی خود تبدیل شدند تا فرم‌های مختلف یک کلمه (مانند «توسعه» و «توسعه‌ای») به یک شکل شناسایی شوند. گام دوم: در این گام تلاش شد تا با بردارسازی کلمات Word Embedding کلمات به نمایش عددی قابل فهم برای الگوریتم‌ها تبدیل شود. در این بخش هر کلمه بر اساس زمینه‌ای که در آن ظاهر می‌شود به یک بردار عددی تبدیل شد. سپس برای وزن‌دهی به کلمات بر اساس فراوانی آن‌ها در کل متن و اهمیت در سند تأکید شد. گام سوم: شناسایی سوگیری با الگوریتم طبقه‌بندی برای تشخیص جهت‌گیری مواد برنامه نسبت به هر دوگانگی (مانند "رشد" در مقابل "عدالت")، از الگوریتم‌های طبقه‌بندی انجام شد. این الگوریتم‌ها برای محاسبه احتمال وابستگی هر جمله به یکی از دوگانگی‌ها بر اساس کلیدواژه‌های مرتبط و همچنین برای تفکیک جملاتی که به سمت یکی از ابعاد دوگانگی تمایل دارند، استفاده شده است. گام چهارم: به دنبال شناسایی مضامین با تحلیل معنایی عمیق استخراج مضامین کلیدی بود. در این بخش با استفاده از مدل‌های مورد نظر، جمله‌ها بر اساس معنای آن‌ها و در نظر گرفتن زمینه‌شان تحلیل شد. گام پنجم: در نهایت وزن‌دهی و ترکیب نتایج انجام شد. برای تعیین وزن هر ماده در سوگیری به سمت یکی از ابعاد دوگانگی‌ها از تحلیل شبکه معنایی Semantic Network Analysis استفاده شد تا ارتباطات معنایی بین کلیدواژه‌ها شناسایی شود. وزن نهایی با ترکیب فراوانی، احتمال سوگیری، ارتباط معنایی به دست آمد.



شکل ۱. ساختار کلی تحلیل محتوای برنامه هفتم پیشرفت

منبع: یافته های تحقیق

۴. نتایج و تحلیل یافته های تحقیق

اولین گام از پژوهش به شناسایی مفاهیم کلیدی که سبب افتراق بین مکاتب توسعه اقتصادی می شود، اختصاص می یابد. با توجه به بررسی های انجام شده از مبانی مکاتب اقتصادی و مطالعه گذشته، درنهایت هشت عامل و دوگانگی کلیدی شناسایی شده است که این موارد می تواند سبب افتراق نگرش های توسعه اقتصادی با یکدیگر شود. این دوگانگی ها بر اساس پاسخی است که مکاتب توسعه به سؤالات زیر خواهند داد:

۱. توسعه برای رشد اقتصادی یا توسعه برابر برقراری عدالت اقتصادی و اجتماعی
۲. توسعه بر پایه صنعت و توسعه صنعتی یا توسعه بر پایه کشاورزی و توسعه کشاورزی
۳. توسعه بر پایه مناطق برخوردار و شهرها یا توسعه روستاها و مناطق کمتر برخوردار
۴. توسعه مبنی بر سرمایه بری یا توسعه مبتنی بر کاربری
۵. توسعه با محوریت دولت و یا توسعه با محوریت بازار

۶. توسعه با درهای باز تجاری یا توسعه با درهای بسته و استقلال ملی

۷. توسعه پایدار مبتنی بر تاب‌آوری یا توسعه ناپایدار

۸. توسعه مبتنی بر منابع زیرزمینی یا توسعه مبنی بر دانش

بر اساس واکاوی انجام‌شده از متون مکاتب توسعه اقتصادی می‌توان، مهم‌ترین مکاتب توسعه را بدین شکل دسته‌بندی نمود به‌گونه‌ای که هر یک از مکاتب، چه پاسخی به هر یک از هشت سؤال فوق‌الذکر می‌دهند.

جدول ۱. پاسخ مکاتب توسعه به دوگانگی‌های مطرح‌شده برای مفاهیم و ابزار توسعه

رشد یا عدالت	صنعت یا کشاورزی	شهر یا روستا	سرمایه یا کار	دولت یا بازار	باز یا بسته	پایدار یا ناپایدار	دانش یا منابع طبیعی
مرکانتلیسم	رشد	صنعت	شهر	سرمایه	دولت	بسته	ناپایدار
فیزیوکراسی	رشد	کشاورزی	روستا	کار	بازار	باز	پایدار
کلاسیک‌ها	رشد	-	شهر	سرمایه	بازار	باز	-
مارکسیسم	عدالت	صنعت	شهر	کار	دولت	بسته	پایدار
نئومارکسیسم	عدالت	صنعت	روستا	کار	دولت	بسته	پایدار
نئوکلاسیک	رشد	-	شهر	سرمایه	بازار	باز	-
کینزین‌ها	هر دو	صنعت	شهر	سرمایه	دولت	-	دانش
نهادگرایان	عدالت	هر دو	هر دو	سرمایه	هر دو	باز	پایدار
نئولیبرالیسم	رشد	صنعت	شهر	سرمایه	بازار	باز	-
اقتصاد سبز	هر دو	صنعت	هر دو	سرمایه	هر دو	باز	پایدار
مائوئیسم	عدالت	کشاورزی	روستا	کار	دولت	بسته	پایدار
ساختارگرایان	هر دو	صنعتی	هر دو	کار	دولت	-	پایدار
اقتصاد اسلامی	عدالت	هر دو	روستا	کار	هر دو	-	پایدار
نوسازی	رشد	صنعتی	شهر	سرمایه	بازار	باز	-
وابستگی	عدالت	صنعتی	روستا	کار	دولت	بسته	-

منبع: یافته‌های تحقیق

در ادامه و پس از شناسایی ساختار دوگانگی‌های اصلی و همچنین بررسی مکاتب اصلی توسعه اقتصادی، اکنون می‌توان تحلیل محتوای برنامه هفتم را بر اساس همین دوگانگی‌ها انجام داد. با توجه به مفاهیم بررسی‌شده و مفاهیم و کلیدواژه‌های شناسایی‌شده، جدول ۲ نشان‌دهنده مهم‌ترین کلیدواژه‌های موجود برای دوگانگی رشد یا عدالت در برنامه هفتم پیشرفت است. در زمان ابلاغ سیاست‌های برنامه هفتم، از این برنامه، به‌عنوان برنامه‌ای با اولویت توسعه اقتصادی توأم با عدالت، نام‌برده شده است؛ بنابراین می‌توان انتظار داشت که عدالت در این برنامه جایگاه ویژه‌ای داشته باشد.^۱

۱. درباره مهم‌ترین سنجه‌های کمی عدالت در برنامه هفتم می‌توان به فصل ششم و ماده ۳۰ برنامه اشاره کرد.

جدول ۲. کلیدواژه‌های برنامه هفتم درباره دوگانگی توسعه مبتنی بر رشد یا مبتنی بر عدالت

رشد اقتصادی	عدالت و برابری
تولید ناخالص داخلی، بهره‌وری، رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری، صادرات، فناوری، افزایش تولید، رشد ارزش افزوده، تأمین مالی برای اهداف رشد اقتصادی، تخفیف مالیاتی برای رشد تولید، معافیت بیمه‌ای مشاغل، طرح بزرگ ملی و پیشران برای رشد، راهبرد ملی توسعه صنعتی و ارتقای زنجیره‌های ارزش کشور، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و تعاونی، ارتقای جایگاه صنایع کوچک و خوشه‌های صنعتی در رشد اقتصادی، رشد ارزش افزوده اقتصاد دریامحور، رشد اقتصاد فضایی، رشد صنعت فضایی کشور، رشد اقتصاد صنایع دستی و فرش دستبافت و صنایع وابسته، رشد فروش کالاها و خدمات دانش بنیان، رشد بهره کل عوامل تولید	توزیع عادلانه، کاهش نابرابری، فقرزدایی، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، برابری اجتماعی، توزیع درآمد، دسترسی همگانی، افزایش سهامداران خرد، توسعه کسب‌وکارهای خرد، پرداخت تسهیلات اعتبار برای سرپرستان خانوار، تحقق عدالت در توزیع منابع بانکی، اعطای سهم مناطق نفت خیز از درآمد نفتی، عدالت مالیاتی، عدالت در پرداخت حقوق، توسعه بیمه بازنشستگی، اهداف تأمین اجتماعی، سیاست‌های حمایتی و توزیع عادلانه درآمد، بهبود توزیع درآمد، ارائه بسته معیشتی، ارائه خدمات رایگان، حمایت از مستمری‌بگیران، نظام عادلانه توزیع آب، توسعه عدالت محور و متوازن روستاها، حمایت از افراد فاقد مسکن، کاهش هزینه‌های سلامت، توزیع یکپارچه و مناسب منابع و امکانات، عدالت تربیتی، دادرسی منصفانه، عدالت در پرداخت ها، دسترسی عادلانه، حمایت از مستضعفین، مقابله با استکبار، ضرورت توزیع عادلانه رشته‌ها در تمامی مناطق کشور

یکی دیگر از سنجه‌های راهبردی توسعه اقتصادی، نگرش برنامه‌ها به توسعه کشاورزی یا توسعه صنعتی است. بررسی برنامه هفتم نشان از آن دارد که احکام لایحه برنامه هفتم پیشرفت در فصل‌های ۷، ۸، ۱۲ به طور مستقیم با بخش کشاورزی و منابع طبیعی مرتبط هستند. همچنین در فصل‌های ۱، ۲ و ۹ از این لایحه نیز احکامی با مضمون بخش کشاورزی و منابع طبیعی مرتبط هستند (ورمزیاری، ۱۴۰۲). بررسی مواد مرتبط با بخش صنعت نیز نشان از آن دارد که فصول ۹ و ۱۰ عملاً به برنامه‌های مدون برای بخش صنعت پرداخته شده است.

جدول ۳. کلیدواژه‌های برنامه هفتم درباره دوگانگی توسعه مبتنی بر صنعت یا کشاورزی

توسعه صنعتی	توسعه کشاورزی
صنایع، تولید صنعتی، کارخانه‌ها، صنعت‌محور، ماشین‌آلات، پروژه‌های صنعتی، افزایش جذابیت سرمایه‌گذاری در میدان‌های گازی، اهداف کمی صنعت، معدن و رشد تولید، گسترش صادرات دانش فنی و خدمات فنی، طراحی و مهندسی و پیمانکاری، طرح بزرگ اقتصادی ملی و پیشران، سند راهبرد ملی توسعه صنعتی، صنایع کوچک و خوشه‌های صنعتی، شهرک‌ها و نواحی صنعتی، مدیریت زنجیره تولید، توزیع، عرضه و صادرات صنایع دستی، صنایع دفاعی، صنعت هوایی و دریایی، صنایع دانش بنیان، ارتباط دانشگاه با صنعت، توسعه پالایشگاه‌ها و پتروپالایشگاه‌ها، ذخیره‌سازی گاز، ارتقای کیفی فرآورده‌های نفتی، زنجیره پایین دستی توسعه نیروگاه‌های خورشیدی و بادی	کشاورزی، محصولات کشاورزی، زراعت، دامداری، توسعه روستایی، اشتغال کشاورزی، اهداف کمی بخش کشاورزی، ضریب خودکفایی، بهره‌برداری بهینه از منابع و عوامل تولید، برنامه تولید بهینه (الگوی کشت)، تعیین قیمت تضمینی، پرداخت مستقیم به کشاورزان برای جبران هر نوع مداخله دولت در بازار، تولید و صادرات محصولات گلخانه‌ای بزرگ مقیاس، اهداف عملکردی نظام مدیریت یکپارچه منابع آب، صید محصولات شیلاتی، کشت فراسرزمینی، امنیت غذایی،

یکی دیگر از دوگانگی‌های قابل بررسی در برنامه‌های توسعه، نگرش برنامه به توسعه شهری و مناطق برخوردار به عنوان پیشران توسعه یا نگرش به توسعه مناطق روستایی، عشایری و کمتر برخوردار به عنوان پیشران عدالت است. علی‌رغم آنکه هیچ فصلی برای توسعه شهری در برنامه هفتم اختصاص داده نشده است، اما می‌توان اذعان داشت که حدود ۳۴ ماده که ۲۰ ماده به طور مستقیم و ۱۴ ماده به طور غیرمستقیم در لایحه برنامه هفتم پیشرفت مرتبط با امور شهرداری‌ها و بحث مدیریت شهری است.^۱ از سوی دیگر موارد متعددی وجود دارد که در آن اشاره مستقیم به روستاها و مناطق کمتر برخوردار شده است.

جدول ۴. کلیدواژه‌های برنامه هفتم درباره دوگانگی اولویت مناطق برخوردار یا اولویت مناطق کمتر برخوردار

شهرها و مناطق برخوردار	روستاها و مناطق کمتر برخوردار
کلان‌شهرها، مراکز تجاری، شهرک‌های صنعتی، بنادر، مناطق آزاد، توسعه شهری، خدمات عمومی و شهری، تسهیل نوسازی بافت-های فرسوده، تسهیل ساخت مسکن توسط مردم، واگذاری بخش از اراضی تحت تملک و در اختیار خود، توسعه زیرساخت‌های مناطق ساحلی، شناسایی و ساماندهی نقاط آسیب‌خیز و بحران‌زای اجتماعی در بافت‌های شهری	روستاها، مناطق محروم، توسعه روستایی، اشتغال روستایی، مناطق کم‌برخوردار، اولویت مناطق روستایی، عدالت در توزیع منابع بانکی، اعطای سهم مناطق نفت‌خیز و کمتر توسعه‌یافته از درآمد نفتی، اهداف کمی سنج‌های تأمین اجتماعی، سیاست‌های حمایتی و توزیع عادلانه درآمد، ارائه بسته معیشتی، ارائه خدمات رایگان، حمایت از خانواده‌های مستمری‌بگیر، معافیت‌های پرداخت تعرفه‌های آب و برق برای خانوارهای کم‌درآمد، عمران و آبادانی روستاهای کشور، ساخت مسکن روستایی، افزایش دسترسی به خدمات سلامت با اولویت مناطق کم‌برخوردار، طرح تغذیه با شیر رایگان، پوشش بیمه پایه همگانی، حفاظت از میراث فرهنگی ثبت شده در مناطق محروم و کمترخوردار، توانمندسازی و حمایت از زنان سرپرست خانوار و بد سرپرست، توانمندسازی اقشار و گروه‌های آسیب‌دیده اجتماعی، توزیع یکپارچه و مناسب منابع و امکانات متناسب با شاخص محرومیت، برنامه درسی متناسب با جذب بازماندگان از تحصیل، توسعه مدارس شبانه‌روزی، اولویت جذب در مناطق محروم و دورافتاده، انتقال کارکنان در شهرستان، مناطق محروم، کمک به سازندگی در مناطق محروم، تأمین نیازهای آموزشی و پژوهشی در تمامی مناطق، ضرورت توزیع عادلانه رشته‌ها، تأکید بر توسعه مدارس در مناطق محروم و روستایی، اولویت‌دهی به دانش‌آموزان روستایی و عشایری در برنامه‌ریزی، کلاس‌های هوشمند و فناوری‌پایه (با اولویت مناطق محروم)

کلیات ورود برنامه هفتم پیشرفت به موضوع اشتغال محدود به تعیین هدف کمی (یک میلیون اشتغال در سال) و یک ماده پیشنهادی (ماده ۶) شده است.^۲ ماده «۶» ذیل فصل اول برنامه هفتم پیشرفت در سه بند، پنج جزء و هشت تبصره مسیر سیاست‌گذاری اشتغال برای پنج سال پیش‌رو را مشخص کرده است. با توجه به برنامه توسعه می‌توان دریافت که بسیاری از بخش‌های برنامه تأکید ویژه بر توسعه مبتنی بر سرمایه دارد، این موارد می‌توان به صورت کلی شامل افزایش جذابیت سرمایه‌گذاری، طرح بزرگ اقتصادی ملی و پیشران اشاره شود.

۱. برای مطالعه بیشتر در مورد ارزیابی لایحه برنامه هفتم پیشرفت در بخش توسعه و مدیریت شهری به مطالعه فرنام (۱۴۰۲) مراجعه شود.

۲. برای مطالعه بیشتر در مورد ارزیابی لایحه برنامه هفتم پیشرفت در بخش اشتغال به مطالعه عزیزخانی (۱۴۰۲) مراجعه شود.

جدول ۵. کلیدواژه‌های برنامه هفتم درباره دوگانگی توسعه مبتنی بر سرمایه یا کار

سرمایه‌بری	کاربری
سرمایه‌گذاری، تأمین مالی، زیرساخت‌های سنگین، انباشت سرمایه، ماشین‌آلات، اصلاح ساختار مالی نظام بانکی و افزایش سرمایه، سرمایه‌گذاری در میدان‌های گازی، تعدیل‌ها و بازبینی قوانین مربوط به بیمه‌های تأمین اجتماعی و صندوق‌های بازنشتی، تغییر سنوات مربوط به بازنشتی، گلخانه‌های بزرگ‌مقیاس، اهداف کمی سنجه‌های عملکردی انرژی، طرح بزرگ اقتصادی ملی و پیشران، سند راهبرد ملی توسعه صنعتی و ارتقای زنجیره‌های ارزش کشور، ساخت مسکن توسط مردم، اهداف کمی گذر (ترانزیت) و اقتصاد دریامحور، اهداف کمی رقومی (دیجیتال)، توسعه شبکه فیبر نوری، نظام تأمین مالی نوآوری، نظام تأمین مالی خرد، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، تأمین مالی برای بهبود کیفیت آموزشی و تأسیسات دانشگاه‌ها، سرمایه‌گذاری در آب‌شیرین‌کن‌ها، بخش خصوصی، سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیرساختی، افزایش ظرفیت تولید نفت و گاز، توسعه نیروگاه‌های جدید، توسعه انرژی تجدید پذیر، توسعه نیروگاه‌های هسته‌ای، توسعه پالایشگاه‌ها و پتروپالایشگاه‌ها، ذخیره‌سازی گاز، مشارکت بخش خصوصی، توسعه نیروگاه‌های خورشیدی و بادی، برقی‌سازی خودروها، حساب بهینه‌سازی مصرف انرژی	نیروی کار، کارگری، اشتغال‌زایی، کارآفرینی، مشاغل کوچک، صنایع دستی، توسعه کسب‌وکارهای خرد، تسهیل فرایند اعطای تسهیلات خرد، بیمه بازنشتی فعالین در پلتفرم‌های حمل‌ونقل، توسعه اشتغال و رشد اقتصادی از طریق سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و تعاونی، ارائه حمایت‌ها و مشوق‌ها برای ایجاد یا توسعه طرح‌های کسب‌وکار و ایجاد اشتغال، آموزش و تربیت نیروی انسانی ماهر و متخصص برای توسعه اقتصاد رقومی، افزایش استخدام نیروی آموزشی در آموزش‌وپرورش، توسعه رشته‌های آموزش‌های فنی، حرفه‌ای و مهارتی و کار و دانش در دوره متوسطه

بدیهی است بسیاری از بخش‌های برنامه به وظایف دولت و ارائه مسیری برای دخالت و تنظیم‌گری در امور اقتصادی در کشور اختصاص دارد. می‌توان مواردی همچون حمایت‌های تعرفه‌ای، تدوین و تصویب سند نظام فنی اجرایی یکپارچه کشور و ... را به عنوان افزایش تصدی‌گری دولت عنوان کرد. هرچند در این بخش شاید مهم‌ترین ماده مربوط به افزایش دخالت دولت مربوط به مواد ۲۶ و ۲۷ باشد که در آن به افزایش درآمدهای مالیاتی و سهم درآمد مالیاتی دولت در طول این برنامه تأکید شده است. از سوی دیگر بخش‌هایی از برنامه توسعه، به بهبود فضای کسب‌وکار و ارجحیت ساختار بازار در توسعه تأکید می‌کند، برای مثال می‌توان اشاره کرد به: تسهیل محیط کسب‌وکار، واگذاری سهام دستگاه‌های اجرایی، تسهیل و رفع موانع و رشد تولید و ...

جدول ۶. کلیدواژه‌های برنامه هفتم درباره دوگانگی توسعه مبتنی بر دولت یا بازار

دولت‌محوری	بازار محوری
بودجه دولتی، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی دولتی، نهادهای دولتی، مداخله دولت، دولت مکلف است، پرداخت بدهی دولت با منابع نفتی، حمایت‌های تعرفه‌ای، تسهیل فرایندهای پرداخت و وصول مالیات و بیمه، تشکیل بانک توسعه، بازپرداخت بدهی دولت به شبکه بانکی، مدیریت دارایی‌ها دستگاه‌های اجرایی، مدیریت اعتبارات هزینه‌ای دستگاه‌های اجرایی، سند نظام فنی اجرایی یکپارچه کشور، تعهدات و تأدیه بدهی‌های دولت، اهداف کمی درآمدهای	رقابت، خصوصی‌سازی، تجارت آزاد، تنظیم بازار، عرضه و تقاضا، تسهیل محیط کسب‌وکار، شفافیت قضایی همگانی در امور مالی، واگذاری سهام دستگاه‌های اجرایی، افشای عمومی جزییات معاملات مالی، مردمی‌سازی فعالیت‌های اقتصادی، شفافیت اطلاعاتی بانکها، تسهیل اعطای تسهیلات خرد، کاهش مستمر تورم، شفافیت اطلاعات دارایی ارزی، معافیت مالیاتی، کاهش نسبت بدهی دولت به سایر بخش‌ها و شفافیت اطلاعات آن، نظم‌بخشی و انسجام بودجه، تفویض توان تولید نفت به شرکت‌های غیر دولتی، اعطای طرح‌های عمرانی به بخش‌های غیردولتی، واگذاری

مالیاتی دولت، افزایش سهم درآمدهای مالیاتی، تغییر سنوات مربوط به بازنشستگی، بازنگری قوانین مربوط به معافیت‌های بیمه‌ای، تعدیل‌ها و بازبینی قوانین بیمه‌های تأمین اجتماعی و صندوق‌های بازنشستگی، ارائه بسته معیشتی، اخذ عوارض از محصولات کشاورزی و غذایی بر آب بر صادراتی خلاف الگوی کشت، تأمین بخشی از منابع مالی مورد نیاز در آماده‌سازی، تأمین خدمات زیربنایی و روبنایی و احداث مسکن، کاهش هزینه‌های مردم برای سلامت، قیمت‌گذاری تجهیزات و ملزومات پزشکی، پوشش بیمه پایه، افزایش سهم دولت در تأمین اعتبارات سازمان صداوسیما، تقویت بنیه دفاعی از بودجه، تأمین بودجه برای توسعه امنیت پایدار و ارتقای احساس امنیت، نقش دولت در تأمین اعتبار

شرکت‌های دولتی، پرداخت مستقیم به کشاورزان و تولیدکنندگان داخلی برای جبران هزینه ناشی از مداخله دولت در بازار، کوچک‌سازی و افزایش اثربخشی نظام آموزش، تسهیل و رفع موانع و رشد تولید، واگذاری مدیریت فرودگاه‌های به بخش خصوصی، افزایش دسترسی به شبکه ملی اطلاعات، توسعه شبکه فیبر نوری، دسترسی کسب‌وکارهای رقومی (دیجیتال) به داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز، استقرار نظام یکپارچه سلامت الکترونیک، تسهیل فرایندهای سرمایه‌گذاری، تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار، اهداف سنج‌های عملکردی اصلاح نظام اداری، کاهش هزینه‌های جاری و چابک-سازی دولت، هوشمند سازی و تحقق دولت الکترونیک، پایش و رتبه‌بندی سازمان‌ها بر اساس شاخص‌های سنجش کیفیت خدمات و تسهیل کسب‌وکار، اهداف کمی تحول قضائی و حقوقی، چابک‌سازی دولت، مشارکت بخش خصوصی،

یکی از مهم‌ترین ارکان توسعه اقتصادی توجه به تجارت و تسهیل در تجارت با کشورهای طرف قرارداد است. با توجه به کاستی‌هایی که اقتصاد کشور در این زمینه دارد انتظار بر آن بود که متن برنامه هفتم توجه بسیار ویژه به این مورد داشته باشد، علی‌رغم آنکه موادی از برنامه به افزایش تجارت آزاد تأکید داشته‌اند، مانند حمایت از فعالین حوزه صادرات، توسعه (سیاست) دیپلماسی انرژی و حضور در بازارهای بین‌المللی، افزایش رقابت‌پذیری گذر (ترانزیت) از مسیر ایران و؛ اما بیشتر مواد مربوط به افزایش تجارت آزاد در بخش سیاسی برنامه نهفته بود. از سوی دیگر تأکید به مواردی همانند تشدید حمایت‌های تعرفه‌ای، محدودیت هزینه کرد منابع ارزی حاصل از صادرات می‌تواند به عنوان عوامل مهم بازدارنده تجارت در برنامه هفتم قلمداد شود.

جدول ۷. کلیدواژه‌های برنامه هفتم درباره دوگانگی توسعه مبتنی بر دولت یا بازار

اقتصاد بسته و نظارت داخلی	اقتصاد باز و تسهیل‌گری داخلی
خودکفایی، حمایت‌گرایی، محدودیت واردات، تولید داخلی، استقلال اقتصادی، حمایت‌های تعرفه‌ای، محدودیت هزینه کرد منابع ارزی، انطباق نقشه وارداتی کشور با مقاصد صادراتی، فرهنگ عمومی در جهت تحکیم سبک زندگی اسلامی - ایرانی، تقویت بنیه دفاعی، ارتقای تاب‌آوری و کاهش آسیب‌پذیری، نظارت بر تصمیمات، دفاع از تمامیت ارضی، پیام‌رسان‌های بانکی جایگزین، استقلال ملی و مقابله با استکبار	تجارت آزاد، صادرات و واردات، تعاملات بین‌المللی، سرمایه‌گذاری خارجی، جهانی‌سازی، رشد صادرات نفتی و غیر نفتی، حمایت از فعالین حوزه صادرات، اعتلای سیاست (دیپلماسی) آب، توسعه (سیاست) دیپلماسی انرژی، حضور در بازارهای بین‌المللی، گسترش صادرات دانش فنی و خدمات فنی، طراحی و مهندسی و پیمانکاری، اهداف کمی گذر (ترانزیت) و اقتصاد دریامحور، ایجاد پیوندهای متقابل و مستحکم اقتصادی بین کشورها، افزایش رقابت‌پذیری گذر (ترانزیت) از مسیر ایران، شبانه‌روزی کردن فعالیت گمرکات، ارائه سوخت و خدمات جانبی به کشتی‌ها، تعامل مؤثر با محیط بین‌المللی و منطقه‌ای، تقویت و ارتقای مراکز آموزشی و پژوهشی وابسته به وزارت خارجه، تقویت پیوندهای اقتصادی با اولویت همسایگان، انعقاد و تعمیق موافقت‌نامه‌های تجارت ترجیحی و آزاد، افزایش گردشگران خارجی به کشور، تسهیل دسترسی، سامانه خودکاربری خدمات ثبتی، توافق‌نامه‌های تجارت آزاد، دیپلماسی اقتصادی، تقویت نظام چندقطبی، تشویق به تعامل بین‌المللی، مشارکت در پالایشگاه‌های خارجی،

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های اقتصاد جهانی در سال‌های اخیر مباحث مربوط به محیط زیست و همچنین تاب‌آوری اقتصادی است. با توجه معضلات بسیار مهم دست به گریبان محیط زیست ایران، نیاز است تا برنامه هفتم تأکید ویژه‌ای به این موضوع مهم داشته باشد. علاوه بر این با توجه به تحریم‌هایی که همواره به صورت ناعادلانه بر اقتصاد ایران وارد می‌شود، نیاز به افزایش تاب‌آوری به منظور تضمین پایداری رشد، در برنامه لازم است. بررسی مفاهیم مندرج در مواد برنامه نشان از آن دارد که برنامه ریزان توجهی ویژه به این امر مهم داشته اند.

جدول ۸. کلیدواژه‌های برنامه هفتم درباره دوگانگی توسعه پایدار و تاب آور یا توسعه ناپایدار

توسعه پایدار و تاب آور	توسعه ناپایدار
انرژی‌های تجدید پذیر، حفاظت از محیط زیست، اقتصاد سبز، بهینه‌سازی منابع، حفظ منابع طبیعی، تأیید زیست محیطی طرح‌های اجرایی، ارزش‌گذاری اقتصادی منابع زیست محیطی، مدیریت پسماندها، توسعه کشاورزی با در نظر گرفتن محدودیت طبیعی، افزایش ضریب خودکفایی و بهره‌برداری بهینه و یکپارچه از منابع و عوامل تولید، برنامه تولید بهینه (الگوی کشت)، اجرای عملیات آب و خاک، بازسازی و نو سازی قنات، افزایش سطح سلامت و ایمنی مواد غذایی، احیا و توسعه جنگل، اهداف کمی مدیریت منابع آب، بهبود نظام تصمیم‌گیری، استقرار حکمرانی مطلوب منابع آب کشور، مدیریت مصرف و بهره‌برداری از منابع آب، حفظ منابع آبی، ممنوعیت رهاسازی آب آلوده و آلوده نمودن منابع آب سطحی و زیرزمینی، مدیریت و کاهش شدت انرژی، افزایش سهم انرژی‌های تجدید پذیر در تأمین برق کشور، احداث و توسعه نیروگاه‌های تجدید پذیر، حفاظت بهینه از منابع عمومی، امنیت و ایمنی ساختمان‌ها، توسعه دولت هوشمند، کاهش آسیب‌پذیری، ارتقای امنیت غذایی، تقویت روابط پایدار، نیاز به زیرساخت‌های پایدار برای پژوهش و فناوری، مقاومت سازی و بازسازی کلاس‌های فرسوده، حفاظت از منابع آبی، مدیریت مشارکتی آب، توسعه ظرفیت انرژی‌های تجدید پذیر، ارتقای کیفیت فرآورده‌های نفتی	استخراج بی‌رویه، وابستگی به منابع فسیلی، مصرف‌گرایی، آلودگی، تخریب محیط زیست، توسعه اکتشاف و تولید نفتی برای تسویه بدهی دولتی، اعطای سهم مناطق نفت خیز از درآمد نفتی، افزایش جذابیت سرمایه‌گذاری در میدان‌ها گازی، اهداف کمی انرژی، طرح بزرگ اقتصادی ملی و پیشران، افزایش صید محصولات شیلاتی کشور، تولید محصولات سنگین پالایشی، افزایش تولید نفت و گاز

توسعه می‌توان مبتنی بر منابع زیرزمینی و فشار بر محیط زیست باشد و یا اینکه توسعه می‌تواند مبتنی بر دانش و سرمایه انسانی طراحی شود. با سرعت گرفتن انقلاب صنعتی چهارم و برنامه‌ریزی کشورها در اقتصاد دیجیتال و توسعه مبتنی بر دانش و ضربه‌هایی که اقتصاد مبتنی بر منابع زیرزمینی در سال‌های گذشته به اقتصاد ایران وارد کرده است، انتظار بر آن بود که برنامه هفتم تأکید ویژه‌ای بر توسعه مبتنی بر دانش داشته باشد. بررسی مواد برنامه نشان از آن دارد که در بخش‌هایی از برنامه بر این مهم توجه شده است که در ادامه به مهم‌ترین مفاهیم آن در جدول ۸ اشاره شده است.

جدول ۹. کلیدواژه‌های برنامه هفتم درباره دوگانگی توسعه مبتنی بر دانش یا منابع زیرزمینی

منابع زیرزمینی	دانش
نفت، گاز، معادن، ذخایر طبیعی، منابع فسیلی، قرارداد برای اکتشاف و تولید نفتی، اعطای سهم مناطق نفت خیز	فناوری، نوآوری، فناوری‌های نوین، تحقیق و توسعه، اقتصاد دانش بنیان، دانشگاه‌ها، آموزش، معافیت مالیاتی دانش بنیان، گسترش صادرات دانش فنی و خدمات فنی، طراحی و مهندسی و پیمانکاری، سند راهبرد ملی توسعه صنعتی و ارتقای زنجیره‌های ارزش، لغو معافیت مالیاتی درآمد حاصل از صادرات مواد و محصولات خام و نیمه‌خام، تأمین مسکن با استفاده از فناوری‌های نوین، اهداف کمی رقومی

از درآمد نفتی، افزایش جذابیت سرمایه‌گذاری در میدان‌ها گازی، اهداف کمی سنجه‌های عملکردی انرژی، توسعه (سیاست) دیپلماسی انرژی و حضور در بازارهای بین‌المللی، افزایش صید محصولات شیلاتی کشور، سوآپ انرژی، ذخیره‌سازی گاز، توسعه پالایشگاه‌های نفت (دیجیتال)، افزایش دسترسی به شبکه ملی اطلاعات، توسعه شبکه فیبر نوری، آموزش و تربیت نیروی انسانی ماهر و متخصص برای توسعه اقتصاد رقومی، پذیرش شرکت‌های حوزه دیجیتال در بازار اوراق بهادار، حمایت از توسعه شرکت‌های بزرگ تولید پویانمایی، صادرات صنایع دستی، اهداف کمی ارتقای نظام علمی، فناوری و پژوهشی، تأمین مالی و هدفمندسازی پژوهش‌ها، مفاسد حساب قراردادهای پژوهشی دانشگاه‌ها، کمک‌هزینه تحصیلی به دانشجویان مستعد، تأمین مالی در موارد کارگاهی و آزمایشگاهی برای دانشگاه‌ها، تقویت نظام تأمین مالی نوآوری، تقویت و ارتقای مراکز آموزشی و پژوهشی، هوشمند سازی و تحقق دولت الکترونیک، فناوری‌های نوین همانند هوش مصنوعی، سامانه جامع برخط، نظارت بر دادرسی، مدیریت داده‌ها، اطلاعات برخط، سامانه‌های الکترونیکی، نرم‌افزارهای حقوقی، نوسازی و تحول اداری، توسعه دولت هوشمند، زیرساخت یکپارچه ابری، خدمات فنی و مهندسی، جلوگیری از خام‌فروشی، مرجعیت علمی و سرآمدی جهانی، توسعه فناوری هسته‌ای، توسعه نیروگاه‌های خورشیدی و بادی

با توجه به نتایج مندرج در جدول ۲ الی ۹، می‌توان تک‌تک مواد برنامه هفتم پیشرفت را از نظر پاسخی که به دوگانگی‌های هشت گانه شناسایی شده در جدول ۱ می‌دهند، دسته‌بندی نمود. در این بخش با بررسی تک‌تک مواد برنامه توسعه و بر اساس کلیدواژه‌های اصلی شناسایی شده در جدول ۲ الی ۹ و روش پژوهش تشریح شده در بخش قبل، میزان تمایل هر یک از مواد برنامه به هر یک از دوگانگی‌ها شناسایی شد؛ به عبارت دیگر به این سؤال پاسخ داده می‌شود که هر یک از مواد برنامه توسعه چه پاسخی به هر یک از دوگانگی‌های مطرح شده در این پژوهش دارند. نتایج را می‌توان به صورت جزئی در مجموعه شکل ۲ و ۳ مشاهده نمود. لازم به توضیح است در مواد برنامه مواردی وجود داشت که هیچ سوگیری نسبت به دوگانگی موردنظر نداشتند، همچنین موادی وجود داشتند که به هر دو موضوع مندرج در دوگانگی موردنظر اشاره داشتند، با توجه به تعدد کلیدواژه‌ها و بار مفهومی مندرج در ماده، میزان کمی تمایل به هر یک از دوگانگی‌ها با الگوریتم‌های توضیح داده شده در روش پژوهش شناسایی شد. علاوه براین با توجه به بررسی متن و تحلیل محتوای مفهومی انجام شده درباره هر یک از مواد برنامه هفتم، سوگیری آن نسبت به هر یک از دوگانگی‌ها شناسایی شد. نتایج بررسی برای تمامی مواد برنامه را می‌توان در شکل ۲ و ۳ مشاهده کرد. در شکل ۲ می‌توان مشاهده کرد که با توجه به محتوا و مضمون موجود در هر ماده، سوگیری درباره دوگانگی در هر یک از مواد به کدام جهت است. از آنجایی که برخی مواد درباره هر دو جنبه سوگیری نظر دارند، نیاز بود تا ارزیابی کمی برای هر یک از مواد برنامه نیز به انجام برسد، شکل ۳ نیز میزان سهم کمی نگرش ماده به هر یک از دو جنبه دوگانگی را نشان می‌دهد. شکل ۳ با استفاده از مفاهیم حول کلیدواژه‌های شناسایی شده و میزان تأکید ماده بر هر یک از مفاهیم مرتبط با کلیدواژه‌ها و دوگانگی‌ها تنظیم شده است.

دوگانگی های هشت گانه								دوگانگی های هشت گانه								دوگانگی های هشت گانه								دوگانگی های هشت گانه											
ماده	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	ماده	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	ماده	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	ماده	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱									۳۱									۳۱									۳۱								
۲									۳۲									۳۲									۳۲								
۳									۳۳									۳۳									۳۳								
۴									۳۴									۳۴									۳۴								
۵									۳۵									۳۵									۳۵								
۶									۳۶									۳۶									۳۶								
۷									۳۷									۳۷									۳۷								
۸									۳۸									۳۸									۳۸								
۹									۳۹									۳۹									۳۹								
۱۰									۴۰									۴۰									۴۰								
۱۱									۴۱									۴۱									۴۱								
۱۲									۴۲									۴۲									۴۲								
۱۳									۴۳									۴۳									۴۳								
۱۴									۴۴									۴۴									۴۴								
۱۵									۴۵									۴۵									۴۵								
۱۶									۴۶									۴۶									۴۶								
۱۷									۴۷									۴۷									۴۷								
۱۸									۴۸									۴۸									۴۸								
۱۹									۴۹									۴۹									۴۹								
۲۰									۵۰									۵۰									۵۰								
۲۱									۵۱									۵۱									۵۱								
۲۲									۵۲									۵۲									۵۲								
۲۳									۵۳									۵۳									۵۳								
۲۴									۵۴									۵۴									۵۴								
۲۵									۵۵									۵۵									۵۵								
۲۶									۵۶									۵۶									۵۶								
۲۷									۵۷									۵۷									۵۷								
۲۸									۵۸									۵۸									۵۸								
۲۹									۵۹									۵۹									۵۹								
۳۰									۶۰									۶۰									۶۰								

شکل ۲. سوگیری مطلق در هر یک از مواد برنامه نسبت به دوگانگی های هشت گانه

منبع: یافته های تحقیق

توضیحات: هر یک از ستون ها به صورت ذیل تفسیر می شود: ۱- توسعه برای رشد اقتصادی (سبز) توسعه برابر برقراری عدالت اقتصادی و اجتماعی (قرمز)، ۲- توسعه بر پایه صنعت (سبز) توسعه بر پایه کشاورزی (قرمز) ۳- توسعه بر پایه مناطق برخوردار و شهرها (سبز) توسعه روستاها و مناطق کمتر برخوردار (قرمز) ۴- توسعه مبنی بر سرمایه بری (سبز) توسعه مبتنی بر کاربری (قرمز) ۵- توسعه با محوریت بازار (سبز) توسعه با محوریت دولت (قرمز) ۶- توسعه با در های باز تجاری (سبز) توسعه با در های بسته و استقلال ملی (قرمز) ۷- توسعه پایدار مبتنی بر تاب آوری (سبز) توسعه ناپایدار (قرمز) ۸- توسعه مبنی بر دانش (سبز) توسعه مبتنی بر منابع زیرزمینی (قرمز). در تمامی موارد رنگ سفید به معنا عدم نظر درباره سوگیری موردنظر است.



شکل ۳. سوگیری هر یک از مواد برنامه هفتم پیشرفت به دوگانگی‌های اصلی شناسایی شده
منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به مقادیر موزون شده در شکل ۳ برای هر یک از مواد برنامه، با تلفیق نتایج هر ماده، کلیات سوگیری روح کلی برنامه به هر یک از دوگانگی‌ها، به صورت متوسط محاسبه شد و نتیجه در شکل ۴ قابل مشاهده است. با توجه به تحلیل و بررسی انجام شده می‌توان دریافت که به صورت وزن نسبی، برنامه هفتم پیشرفت تقریباً بیشتر برنامه‌ای عدالت محور است و توسعه صنعتی را مرجح به توسعه کشاورزی می‌داند. با توجه به وجود روح عدالت محوری، در متن برنامه هفتم توجهی ویژه به توسعه مناطق کمتر برخوردار و روستاها شده است؛ بنابراین در دوگانگی حاضر، اولویت با توسعه مناطق کمتر برخوردار و روستاها است.



شکل ۴. سوگیری برنامه هفتم پیشرفت اقتصادی بر هر یک از دوگانگی‌های توسعه

منبع: یافته‌های تحقیق

برنامه هفتم برنامه‌ای مبتنی بر سرمایه‌بری است و سرمایه را به عنوان عامل اصلی توسعه اقتصادی قلمداد می‌کند. با توجه به اینکه اصولاً برنامه‌ریزی توسعه برای طراحی شیوه عمل دولت و دستگاه‌های اجرایی است، بنابراین قابل انتظار است که بسیاری از اصول اجرایی آن مبتنی بر دولت محوری و تشریح وظایف دولت باشد. هرچند برنامه حاضر بخش‌های بسیار مهمی را به تسهیل‌گری و توسعه بازار اختصاص داده است. از نظر تجارت و تعاملات اجتماعی، سیاسی، علمی و اقتصادی با دنیای بیرونی، برنامه هفتم بیشتر به دنبال توسعه تعاملات بین‌المللی است؛ بنابراین این برنامه را می‌توان، باهدف درهای باز تجاری و تمایل برای توسعه تعاملات بین‌المللی اقتصادی قلمداد کرد. بسیاری از مواد برنامه هفتم مبتنی بر اصول توسعه پایدار است، هرچند همچنان بخش‌های زیادی از برنامه مبتنی بر استفاده از منابع زیرزمینی است، اما روح حاکم بر برنامه نشان از آن دارد که بسیار به اصل توسعه پایدار و تاب‌آوری اقتصادی در بلند مدت اعتقاد دارد. علاوه بر این برنامه هفتم پیشرفت تأکید زیادی بر توسعه مبتنی بر دانش و فناوری دارد. بسیاری از بخش‌های برنامه تأکید ویژه بر توسعه دانش و تعمیق استفاده از ابزارهای مبتنی بر دانش برای بهبود کارایی و افزایش بهره‌وری دارد.

با توجه به نتایج حاصل، می‌توان سوگیری کلی برنامه هفتم را در شکل ۴ مشاهده نمود، با مقایسه شکل ۴ با جدول ۱، می‌توان میزان انطباق برنامه هفتم پیشرفت را با نگرش مکاتب اصلی توسعه اقتصادی با توجه به هشت دوگانگی اصلی

شناسایی شده^۱، نمایان سازد. با توجه به جدول ۱۰ می‌توان دریافت که این برنامه با نگرش‌های متأخری همانند مرکانتلیسم و فیزیوکراسی کمترین انطباق را دارد، اما با سایر مکاتب اقتصادی در بخش‌هایی، هم‌خوانی نشان می‌دهد. با توجه به اهمیتی که به موضوع عدالت در برنامه داده شده است، در تعارض با مکاتب منتسب به لیبرال بوده ولی اولویت دادن به سرمایه و رشد صنعتی، سبب خواهد شد تا همچنان پایبند به روح حاکم بر جریان اصلی اقتصاد باشد.

جدول ۱۰. میزان انطباق برنامه پیشرفت توسعه اقتصادی با هر یک از مکاتب توسعه اقتصادی

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
مرکانتلیسم	رشد	صنعت	شهر	سرمایه	دولت	بسته	ناپایدار	منابع طبیعی
فیزیوکراسی	رشد	کشاورزی	روستا	کار	بازار	باز	پایدار	منابع طبیعی
کلاسیک‌ها	رشد	-	شهر	سرمایه	بازار	باز	-	دانش
مارکسیسم	عدالت	صنعت	شهر	کار	دولت	بسته	پایدار	دانش
نئومارکسیسم	عدالت	صنعت	روستا	کار	دولت	بسته	پایدار	دانش
نئوکلاسیک	رشد	-	شهر	سرمایه	بازار	باز	-	دانش
کینزین‌ها	هر دو	صنعت	شهر	سرمایه	دولت	-	-	دانش
نهادگرایان	عدالت	هر دو	هر دو	سرمایه	هر دو	باز	پایدار	دانش
نئولیبرالیسم	رشد	صنعت	شهر	سرمایه	بازار	باز	-	دانش
اقتصاد سبز	هر دو	صنعت	هر دو	سرمایه	هر دو	باز	پایدار	دانش
مائوئیسم	عدالت	کشاورزی	روستا	کار	دولت	بسته	پایدار	دانش
ساختارگرایان	هر دو	صنعتی	هر دو	کار	دولت	-	پایدار	دانش
اقتصاد اسلامی	عدالت	هر دو	روستا	کار	هر دو	-	پایدار	دانش
نوسازی	رشد	صنعتی	شهر	سرمایه	بازار	باز	-	دانش
وابستگی	عدالت	صنعتی	روستا	کار	دولت	بسته	-	-

توضیحات: رنگ سبز، انطباق کامل. رنگ سفید بدون نظر، رنگ زرد پذیرش هر دو مورد

منبع: یافته‌های تحقیق

بنابراین و با توجه به تحلیل‌های انجام‌شده می‌توان به این نتیجه رسید که نمی‌توان کل برنامه هفتم پیشرفت را دقیقاً منطبق با یک نگرش و پارادایم توسعه اقتصادی دانست اما با توجه به میزان قرابت مفهومی بر اساس نتایج

۱۰.۱- توسعه برای رشد اقتصادی یا توسعه برابر برقراری عدالت اقتصادی و اجتماعی ۲- توسعه بر پایه صنعت و توسعه صنعتی یا توسعه بر پایه کشاورزی و توسعه کشاورزی ۳- توسعه بر پایه مناطق برخوردار و شهرها یا توسعه روستاها و مناطق کمتر برخوردار ۴- توسعه مبنی بر سرمایه‌بری یا توسعه مبتنی بر کاربری ۵- توسعه با محوریت دولت و یا توسعه با محوریت بازار ۶- توسعه با درهای باز تجاری یا توسعه با درهای بسته و استقلال ملی ۷- توسعه پایدار مبتنی بر تاب‌آوری یا توسعه ناپایدار ۸- توسعه مبتنی بر منابع زیرزمینی یا توسعه مبنی بر دانش

پژوهش می‌توان اذعان داشت که این برنامه بیشترین همخوانی را با نگرش اقتصاد سبز و نهادگرایان و سپس اقتصاد اسلامی داشته و کمترین قرابت را با نگرش‌های متأخر مرکانتلیسم و فیزیوکراسی دارد.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادهای اجرایی

مطالعه محتوای برنامه هفتم پیشرفت ایران نشان داد که این برنامه تلاش کرده است با ترکیب عناصر مختلف از پارادایم‌های توسعه‌ای، راهکاری چندبعدی و تطبیقی ارائه دهد. این برنامه بیشتر عدالت محور بوده و اولویت خود را بر کاهش نابرابری‌ها، توسعه مناطق کمتر برخوردار و تأمین عدالت اجتماعی گذاشته است. همچنین، تأکید آن بر توسعه صنعتی و سرمایه‌بری، نشان‌دهنده گرایش به پارادایم‌های نهادگرا و اقتصاد سبز و اقتصاد اسلامی است. از سوی دیگر، توجه به دانش‌بنیان بودن، پایداری اقتصادی و زیست محیطی، برنامه را به سمت رویکردهای نوین توسعه هدایت کرده است. برنامه هفتم توانسته است در برخی موارد، همخوانی قابل توجهی با مکاتب نهادگرایی، اقتصاد اسلامی و اقتصاد سبز داشته باشد.

با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر در تحلیل محتوای برنامه هفتم پیشرفت و بررسی تطابق آن با پارادایم‌های توسعه اقتصادی، پیشنهاد می‌شود به موارد زیر توجه شود تا برنامه‌های توسعه‌آتی هماهنگی بیشتری با اهداف کلان توسعه‌ای و نیازهای کشور داشته باشند: در تدوین اهداف و مواد برنامه، توجه هم‌زمان به رشد اقتصادی و عدالت اجتماعی ضروری است. تدوین سیاست‌های متوازن منطقه‌ای که ضمن حمایت از مناطق شهری و صنعتی، سرمایه‌گذاری زیرساختی و اقتصادی در مناطق کم‌برخوردار را تضمین کند. با توجه به توسعه روزافزون اقتصاد دیجیتال، برنامه‌ریزان باید استراتژی‌های مشخصی برای کاهش وابستگی به منابع زیرزمینی و تمرکز بر ایجاد اقتصاد دانش‌بنیان و توسعه اقتصاد دیجیتال طراحی کنند. برنامه‌ها باید نقش دولت را به‌عنوان تنظیم‌گر و پشتیبان بازار تعریف کنند، نه تصدی‌گر. این شامل کاهش بوروکراسی، شفافیت در قوانین و تقویت رقابت در بخش‌های اقتصادی است. علاوه بر این در تدوین برنامه باید به میزان تعارضاتی که در متن مواد برنامه از نظر مبانی نظری توسعه اقتصادی وجود دارد، توجهی ویژه شود.

منابع

منابع داخلی

- آذری، زهرا، محمدزاده، پرویز و بهبودی، داوود. (۱۴۰۱). تحلیل محتوای برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران از منظر توجه به فقر و طرد اجتماعی، پژوهش‌های برنامه و توسعه، ۳(۴)، ۸-۴۹.
- ثنائی پور، هادی و سعید جعفری مقدم، (۱۳۹۹). تحلیل محتوای سیاست‌های توسعه کارآفرینی در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور، نشریه سیاست‌های راهبردی و کلان، ۸(۳۱)، ۵۳۶-۵۸۸.
- جغتایی فائزه و میرطاهر موسوی و محمدجواد زاهدی مازندرانی (۱۳۹۶). ابعاد و مؤلفه‌های توسعه اجتماعی در برنامه‌های پنج‌گانه توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۶(۶۳)، ۵۵-۸۸.

- جهانگیری، سعید و محمدرضا ثمری، (۱۴۰۰). مؤلفه‌های توسعه به مثابه آزادی در برنامه‌های توسعه‌ی ایران پس از انقلاب اسلامی، نشریه دولت پژوهی ایران معاصر، ۷(۲)، ۶۳-۸۶.
- جواد یگانه، محمدرضا (۱۳۸۲). تناقض ایدئولوژیک در دو برنامه اول و دوم توسعه در ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۲(۸)، ۸۹.
- جوکار، مصطفی (۱۴۰۱). نگاه به برنامه‌های چهارم، پنجم و ششم توسعه با محوریت مسائل اجتماعی و اقدامات و عملکردها، فصلنامه رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، ۶(۸۴)، ۱۵۷۳-۱۵۹۳.
- حیدرپور ماشاءالله و زهرا نصری (۱۴۰۳). تحلیل و ارزیابی برنامه‌های توسعه در ایران از منظر صاحب‌نظران توسعه انسانی، نشریه پژوهش ملل، ۹(۹۷)، ۷-۳۰.
- سالارزاده، نادر و هاشمی نجف‌آبادی، عادل. (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی برنامه‌های رفاه اجتماعی در برنامه‌های توسعه (۸۳-۱۳۶۸) با اصول مرتبط در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علوم اجتماعی، ۲۱(۶۵)، ۴۹-۸۱.
- شاه ویسی، سهیلا و اصغر پرتوی، مهدی خوش خطی (۱۴۰۱). تحلیل انطباق برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی با الگوهای سیاست‌گذاری سه‌گانه در دوران پهلوی دوم، نشریه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۵(۱۲)، ۶۲۲-۶۳۵.
- صادقی شاهدانی، مهدی و خسروی، میثم. (۱۳۹۵). بررسی اشتراکات و تمایزات مبانی نظری برنامه‌های توسعه در جمهوری اسلامی ایران. پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۶(۲۳)، ۱۳-۳۲.
- عالی زاد، اسماعیل (۱۳۹۴). بازتاب توسعه اجتماعی در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران (برنامه‌های اول تا پنجم)، فصلنامه علوم اجتماعی، ۲۲(۳)، ۱۲۳-۱۶۶.
- فتح‌اللهی، احمد و یمنی، محمد، فراست خواه مقصود و قاضی طباطبائی، محمد. (۱۳۹۴). تحلیل محتوای برنامه‌های توسعه آموزش عالی با تمرکز بر تغییرات ساختاری و کارکردی استقلال نظام دانشگاهی، سیاست علم و فناوری، ۸(۱)، ۲۷-۴۷.
- فتح‌اللهی‌گلام بحری، سعدی و کلانتری، خلیل و امیری، علی. (۱۳۹۶). تحلیل محتوای قوانین عمران روستایی در برنامه‌های توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، ۴۸(۱)، ۶۷-۷۷.
- کریم نادری مهدبی، خلیل کلانتری و سیدمحمود حسینی، علی اسدی، (۱۳۸۸). تحلیل محتوای میزان مطابقت سیاست‌های برنامه‌های توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی پس از انقلاب با الگوی توسعه پایدار، فصلنامه روستا و توسعه، ۱۲(۳)، ۱-۲۵.
- مؤمنی، فرشاد و مینو امینی میلانی (۱۳۹۰). توانمندی و توسعه پایدار در برنامه سوم و چهارم توسعه ایران با رویکرد آماری، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۱(۴۲)، ۳۷-۶۶.
- میسایی قاسم و فائز دین پرست، عباس تقی پور، (۱۳۹۸). بررسی جایگاه توسعه سیاسی در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۷(۲۸)، ۱۵۵-۱۸۴.
- نوابخش مهرداد و سیده زهرا امیر ارجمندی و باقر ساروخانی (۱۴۰۲). تحلیل گفتمان سیاست‌های علم و فناوری در برنامه‌های توسعه (مطالعه موردی برنامه پنجم توسعه)، فصلنامه مطالعات میان فرهنگی، ۱۸(۵۴)، ۱۹۵-۲۲۲.
- یوسفی نژاد علی و مرتضی عزتی (۱۳۹۵). تحلیل محتوای برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران (برنامه سوم و چهارم) بر مبنای نظریه توسعه‌ای استخراج شده از دیدگاه امام خمینی (ره)، اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره ۱۷، ۱۲۳-۱۵۱.

منابع خارجی

Acemoglu, D. Johnson, S. & Robinson, J. A. (2005). *Institutions as a Fundamental Cause of Long-Run Growth*. In *Handbook of Economic Growth* (Vol. 1, pp. 385-472). Elsevier.

- Amin, S. (1976). *Unequal Development: An Essay on the Social Formations of Peripheral Capitalism*. Monthly Review Press.
- Chimhowu Admos O. and David Hulme, Lauchlan T. Munro (2019). *The 'New' national development planning and global development goals: Processes and partnerships*, *World Development*, Volume 120, Pages 76-89
- Coase, R. H. (1960). "The Problem of Social Cost." *Journal of Law and Economics*, 3, 1-44.
- North, D. C. (1990). *Institutions, Institutional Change, and Economic Performance*. Cambridge University Press.
- Dehhaghi, S. Choobchian, S. Ghobadian, B. Farhadian, H. Viira, A. -H. Stefanie, H. I. Van Passel, S. & Azadi, H. (2022). *Five-Year Development Plans of Renewable Energy Policies in Iran: A Content Analysis*. *Sustainability*, 14(3), 1501. <https://doi.org/10.3390/su14031501>.
- Frank, A. G. (1967). *Capitalism and Underdevelopment in Latin America: Historical Studies of Chile and Brazil*. Monthly Review Press.
- Frank, A. G. (1967). *Capitalism and Underdevelopment in Latin America: Historical Studies of Chile and Brazil*. Monthly Review Press.
- Harvey, D. (2005). *A Brief History of Neoliberalism*. Oxford University Press.
- Heckscher, E. F. (1955). *Mercantilism*. George Allen & Unwin.
- Hodler Roland and Axel Dreher (2013). Development (paradigm) failures, *Journal of Development Economics*, Volume 101, Pages 63-74
- Keynes, J. M. (1936). *The General Theory of Employment, Interest, and Money*. Macmillan.
- Magnusson, L. (2003). *The Political Economy of Mercantilism*. Routledge.
- Marshall, A. (1920). *Principles of Economics*. Macmillan.
- Marx, K. & Engels, F. (1848). *The Communist Manifesto*. Penguin Books.
- North, D. C. (1990). *Institutions, Institutional Change, and Economic Performance*. Cambridge University Press.
- OECD (2018), *A historical overview of development paradigms, in Perspectives on Global Development 2019: Rethinking Development Strategies*, OECD Publishing, Paris, https://doi.org/10.1787/persp_glob_dev-2019-8-en.
- Prebisch, R. (1950). *The Economic Development of Latin America and Its Principal Problems*. United Nations.
- Rodrik, D. (2007). *One Economics, Many Recipes: Globalization, Institutions, and Economic Growth*. Princeton University Press.
- Rostow, W. W. (1960). *The Stages of Economic Growth: A Non-Communist Manifesto*. Cambridge University Press.
- Smith, A. (1776). *The Wealth of Nations*. W. Strahan.
- Smith, A. (2003). *The Wealth of Nations*. Bantam Classics.
- Spengler, J. J. (1954). "Physiocracy and Economic Development." *The American Journal of Economics and Sociology*, 13(4), 351-364.
- Veblen, T. (1899). *The Theory of the Leisure Class*. Macmillan